

جنگ و برجسته شدن جوانب بین‌المللی آن

کانون این تلاشها طرحی قرار دارد که در شورای امنیت سازمان ملل متحد در دست بررسی است. خبرگزاریهای بین‌المللی در هفته گذشته این خبر را انتشار دادند که پنج عضو دائمی شورای امنیت (اتحاد شوروی، آمریکا، چین، فرانسه و انگلستان) اکنون بر سر خطوط اصلی طرح پایان دادن به جنگ ایران و عراق به توافق رسیده‌اند. بر مبنای نکات تاکنون مورد توافق، به هر دو کشور پیشنهاد داده می‌شود که اعلام آتش بس کرده و نیروهای خود را به پشت مرزهای قبل از جنگ، پس بکشند و برای مذاکره بقیه در صفحه ۲

جنگ ایران و عراق به زودی هفت ساله می‌شود. در طول هفت ساله گذشته، کمتر پیش آمده است که جوانب بین‌المللی جنگ، تاحدی که امروزه شاهد آن هستیم، برجستگی داشته باشد. این جوانب بین‌المللی را نه تنها تحلیل‌گران این جنگ ارتجاعی، بلکه رهبران جمهوری اسلامی نیز - به عنوان ادامه دهندگان اصلی جنگ - به اجبار باید در مجموعه بررسی‌ها و محاسبات خود، قویا دخالت دهند.

تلاشهای بین‌المللی برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق در هفته‌های اخیر تشدید شده است. در



نشریه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۲ تیر ۱۳۶۶ برابر ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۷
بها ۸۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۶۵

بحران ارزی، تنگناهای وی آمده

بیکری دقیق تحولات بازار جهانی نفت در ارزیابی از حدت و دامنه بحران اقتصاد تک محصولی کشور - و از آن بین بحران حاد ارزی - از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اهمیت این موضوع هم از اینوست که بخش اعظم درآمد ارزی کشور محصول صدور و فروش نفت بوده و همچنین سهم کلان درآمد عمومی کشور - درآمد ارزی و ریالی - نیز بگونه‌ای مستقیم و یا غیر مستقیم به نفت وابسته است. مادر شماره گذشته، در مقاله "تثبیت بها و مقابله با نوسانات بازار نفت" به آخرین تحولات بازار جهانی این کالا و همچنین به آخرین تصمیمات سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) پرداختیم. ماحصل نخست گردهمایی وزرای نفت اوپک، تثبیت بهای نفت در حد ۱۸ دلار برای هر بشکه بود. اینک ضرورت دارد که تاثیر و یا تاثیرات این تحولات بر زمینه بحران حاد ارزی و بحران اقتصادی رژیم در کلیت آن، تعقیب گردد. بررسی این تاثیرات در مجموعه خود در یک مقاله میسر نیست و این مقاله تنها موضوع بحران ارزی رژیم را به نظر داشتن تثبیت بهای نفت دنبال می‌کند.

برای دریافت ابعاد بحران ارزی رژیم، جا دارد بر یک نکته و آنهم نقش نفت در کل بافت اقتصادی رژیم تاکید گردد. در واقع هرگاه از مختصر درآمد ارزی ناشی از صدور کالاهای غیرنفتی بقیه در صفحه ۱

پرتوان تریباد جنبش کارگری!



جنبش کارگری میهن‌ماکه آن نقش عظیم را در براندازی نظام سلطنت و تاراندن دارودسته شاه آمریکایی ایفا کرد، علیرغم همه فزونی‌ها و پدیده‌های پیش می‌رود. هیچ چیز در هیچ زمانی نمی‌تواند و نخواهد توانست این جنبش را از خروش بازدارد. مبارزات جمعی کارگران در شرایط کنونی - شرایطی که این همه سخت و دشوار است - مستمرا ادامه دارد. اشکال حرکت و عنوان خواسته‌ها دگرگونی می‌پذیرد، اما حرکت پایدار است. کارگران چه در راه خواسته‌های برحق خود و ویژه خویش و چه در راه مطالبات مشترک همه خلق مبارزه می‌کنند. برای همه مردم، مصائب حاصله از جنگ و دردهای ناشی از استقرار یکی از مهیب‌ترین حکومت‌های سرکوبگر بر میهن‌ما، بی‌حد و اندازه است، اما داغ این مصیبت‌ها و دردها بر کارگران که قربانیان اصلی جنایات خمینی هستند چنان خوفناک است که با رنج و درد هیچ طبقه و قشر دیگری در قیاس نمی‌نشیند. کارگران در مبارزه مستمر برای دستیابی به حقوق خویش، به مبارزه با حکومتی برخاسته‌اند که دشمن همه مردم زحمتکش و آزاده میهن‌ماست. دستیابی به صلح و آزادی و سعادت باید اردر و گروسر انجام این مبارزه است.

به‌خبرهایی کوتاه از جنبش کارگری در صفحات ۶ و ۷ توجه کنید.

یورش وحشیانه مزدوران خمینی به ایرانیان در کراچی

محله کلیفتن به بخش نشریات مشغول بودند، صورت گرفت. در پی این یورش، پلیس پاکستان نیز در دفاع از چاق‌داران خمینی وارد درگیری شد و جمع کثیری از پناهندگان را دستگیر کرد. یکی از پناهندگان ایرانی بر اثر ضربه چاقوی مزدوران مجروح و در بیمارستان بستری شد.

سردسته چاق‌داران، فردی به نام داریوش است. او هم پناهندگان را به بهانه فرستادنشان به کشورهای دیگر سرکشی می‌کند و هم سرش در آخور کنسولگری جمهوری اسلامی است. گزارشهایی حاکی از دخالت این فرد در قاچاق هروئین و اسلحه است.

نکته مهم در رابطه با درگیریهای کراچی، دخالت رژیم آمریکایی ضیا'الحق به سود مزدوران خمینی است. مطبوعات ارتجاعی پاکستان از ماهها پیش بطور مرتب تبلیغاتی حاکی از به اصطلاح دست داشتن پناهندگان ایرانی در اعمال غیرقانونی دامن می‌زنند. پلیس پاکستان با استفاده از همین فضا تضيیقات دامنه‌داری علیه پناهندگان ایرانی به بقیه در صفحه ۲

هفته گذشته در ادامه یک سلسله اقدامات ردیبلانه و چماق کشی‌های مزدوران خمینی در شهر کراچی پاکستان، خانه‌های پناهندگان ایرانی در محله کلیفتن این شهر مورد یورش این مزدوران قرار گرفت. بنا به برخی گزارشها، در جریان این یورش سه تن از پناهندگان ایرانی به دست چاقبازان به قتل رسیدند.

در شماره ۱۵۷ نشریه، خبر از حمله ششم اردیبهشت ماه چاق‌داران حزب الهی و همدستان پاکستانی آنها به تظاهرات ایستاده پناهندگان در برابر دفتر سازمان ملل متحد در کراچی دادیم. پیش از آن نیز در "اکثریت" اخبار مربوط به فشارهای دولت پاکستان بر پناهندگان ایرانی و عدم پاسخگویی مسئولان دفتر سازمان ملل در کراچی به خواسته‌های پناهندگان، درج شده بود.

از چند ماه پیش، حملات حزب الهی‌ها به پناهندگان ایرانی در کراچی به طور مداوم ادامه داشته است. در روز دوم تیرماه نیز یورش گسترده‌ای علیه عده‌ای از هواداران سازمان مجاهدین خلق که در

در این شماره

در روستاهای مازندران

در صفحه ۸

نفت، با اسکورت یابی اسکورت

در صفحه ۲

مبارزات پناهندگان ایرانی در سوئیس

در صفحه ۱۲

در فیلیپین چه می‌گذرد؟

در صفحه ۱۲

اروپا

شعری از والت ویتمن

در صفحه ۹

مباحثات در مجلس خبرگان پیرامون جانشینی خمینی

روزنامه‌های تهران در روز دهم تیرماه خردادند که در اجلاس اخیر مجلس خبرگان، شرکت کنندگان علاوه بر مسایل مختلف "پیشنهادات اصل ۱۰۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی را نیز مورد بررسی قرار دادند". اصل ۱۰۷ قانون اساسی رژیم فقها، ناظر بر چگونگی گزینش ولی فقیه است و بررسی آن در مجلس خبرگان به معنی مباحثات تازه برای تعیین جانشین خمینی است. در اصل ۱۰۷ آمده است که "هرگاه یکی از فقهای واجد شرایط مذکور در اصل پنجم این قانون از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شده باشد... این رهبر، ولایت امر و همه مسئولیتهای ناشی از آن را بر عهده دارد. در غیر این صورت خبرگان منتخب مردم در باره همه کسانی که صلاحیت مرجعیت و رهبری دارند بررسی و مشورت می‌کنند. هرگاه یک مرجع را دارای برجستگی خاص برای رهبری بیابند او را به عنوان رهبر به مردم معرفی می‌نمایند، وگرنه سه یا پنج مرجع واجد شرایط رهبری را به عنوان اعضای شورای رهبری تعیین و به مردم معرفی می‌کنند". بدنبال اجلاس پیشین خبرگان، در اوایل سال گذشته اعلام گردیده بود که آیت الله منتظری با استناد به همین اصل به جانشینی خمینی برگزیده شده است. بدنبال ماجرای مهدی هاشمی و دیگر رویدادهای نیمه دوم سال قبل ولایتعهدی منتظری با علامت سوال بزرگی مواجه گردید.

اجلاس اخیر خبرگان به مدت ۲ روز از ۸ تا ۱۱ تیرماه برپا شده بود. بدنبال آن در روز ۱۱ تیرماه، مشکینی رئیس مجلس خبرگان طی گزارشی به خمینی اعلام داشت که "اجلاس نتوانست تمام وظایف خود را انجام دهد" بدنبال این اجلاس، در روز ۱۲ تیرماه از سوی خمینی، احمد خمینی روانه قم شد و با منتظری دیدار کرد. اگرچه مطبوعات رژیم به محور مذاکرات و مضمون پیام خمینی به منتظری اشاره‌ای نکرده‌اند، اما بیگمان موضوع گفتگو، موقعیت آتی منتظری در دستگاه رهبری رژیم فقها بود. روزنامه کیهان (۱۴ تیرماه) که خبر دیدار را منتشر ساخت تنها نوشت که این دیدار سه ساعت به طول انجامید و طی آن "مسایل مختلف" مورد بحث و گفتگو قرار گرفت.

جنگ و برجسته شدن جوانب بین‌المللی آن

بقیه از صفحه اول

آماده شوند. نکته‌ای که هنوز ناروشن مانده است این است که در صورتی که یک طرف و در واقع جمهوری اسلامی، طرح را نپذیرفت باید مورد چه رفتاری قرار گیرد.

عمدتاً از پیشنهاد تحریم تسلیحاتی سخن گفته می‌شود. هنوز بر سر این پیشنهاد توافق روشن و معینی صورت نگرفته است.

موضع آمریکا چیست؟ آمریکا تاکنون در حرف دم از تشنج زدایی می‌زند اما در عمل بر شدت تشنج در منطقه می‌افزاید. آمریکا اکنون می‌گوید خواهان پایان یافتن جنگ است، اما در همان حال می‌گوید برای منطقه‌ای شدن جنگ آمادگی دارد و به راستی نیز در این زمینه تدارک دیده است، امری که چشم انداز آن برای خود آمریکا نیز تیره و تار است.

موضع گیری آمریکا در مورد پیشنهاد اتحاد شوروی مبنی بر خروج همه کشتی‌های جنگی بیگانه از آبهای منطقه در این زمینه کاملاً روشنتر است. دولت اتحاد شوروی در بیانیه‌ای که در روز شنبه ۴ ژوئیه (۱۲ تیر) در روزنامه پرودا انتشار یافت، نگرانی خود را در مورد تشنج فزاینده و خطر آفرین در منطقه خلیج فارس ابراز داشت. در این بیانیه آمده است اکنون در آبهای بین‌المللی این منطقه که بطور سنتی به رفت و آمد کشتی‌های تجاری اختصاص داشته است، بر تعداد کشتی‌های جنگی و از جمله رزمناوهای کورهای که هزاران کیلومتر از منطقه فاصله دارند، افزوده می‌شود. در این بیانیه تاکید شده است تداوم جنگ ایران و

خروج همه کشتی‌های جنگی از منطقه، این پیشنهاد را رد کرد. بیکر، رئیس کارکنان کاخ سفید، در روز یکشنبه ۵ ژوئیه اعلام داشت که "حضور تاریخی" ایالات متحده در آبهای خلیج فارس مرکز نباید نادیده گرفته شده و پایان یابد.

از سوی دیگر یک اطلاعیه رسمی دولت آمریکا در روز ۶ ژوئیه حاکی از آن بود که بمب افکنهای سبک و هواپیماهای شکاری و اکتشافی این کشور که از عرشه یک ناو هواپیما بر به پرواز در آمده بودند، بر فراز تنگه هرمز دست به یک تمرین نظامی زده‌اند. در این اطلاعیه انجام این مانور نظامی به موضوع استقرار موشکهای موسوم به "کرم ابریشم" از سوی جمهوری اسلامی در دهانه تنگه هرمز، که گفته می‌شود یک روز پس از استقرار بر چیده شده‌اند، ربط داده شده است. روزنامه واشنگتن پست نیز در شماره ۶ ژوئیه خود نوشت که در روزهای پایانی هفته منتهی به روز یکشنبه ۵ ژوئیه چنکده‌های آمریکایی بر فراز خلیج فارس، به پرواز در آمده‌اند. این روزنامه همچنین به نقل از محافظی در وزارت دفاع آمریکا نوشت، هواپیماهای جنگی ناو هواپیما بر کنستلیشن مستقر در دریای عرب، برای حمله به موشکهای مستقر شده در دهانه تنگه هرمز، آمادگی داشته‌اند. مقامات دولت آمریکا هنوز - هر چند با صراحتی کمتر از ماه ژوئن گذشته - دست زدن به "اقدامات پیشگیری" کننده را منتفی نمی‌دانند.

آمریکا بین کاهش تشنج در منطقه و تداوم باصطلاح "حضور تاریخی" خود در منطقه، طبیعتاً دومی را مهنا قرار می‌دهد و می‌کوشد این "حضور تاریخی" را به هر نحوی حفظ کند، از جمله با قراردادن پرچم خود بر فراز نفت کش‌های کویتی. اما در این میان، مساله کشورهای عربی منطقه خلیج فارس نیز مطرح است و نیز مناقع اروپای غربی و ژاپن. کارتل‌های نفتی در آمریکا نیز نمی‌خواهند تشنج تا پادن حد پیش رود که صدور نفت از منطقه دچار اختلال گردد. آمریکا با فاکتورهای متناقضی مواجه است. هریک از محافل درونی هیات حاکمه آمریکا نیز یکی از این فاکتورها را برای خود عمده می‌سازند.

آمریکای کوشنده به تشنج در خلیج با ر کامپایش مستقلاً از جنگ ایران و

عراق بدهد. جمهوری اسلامی نیز همین سیاست را در پیش دارد و با همان تناقض‌های دولت آمریکا مواجه است. برای فروزان ماندن آتش جنگ، شیرهای نفت باید بازمانند، از اینرو تنگه هرمز باید بازمانده و رفت و آمد نفت کش‌هایی در سراسر ادامه یابد، اما جنگ بدون تأثیرات منطقه‌ای نیست و به علاوه باید کانون تشنج دیگری وجود داشته باشد تا اذهان از عامل تشنج زای اصلی منحرف گردند. اکنون محدود ساختن تأثیرات منطقه‌ای و جوانب بین‌المللی جنگ به معنی محدود ساختن خود جنگ است. اما فقها خواهان جنگ محدود نیستند. جنگ خود جبهه‌هایش را و بی‌آمده‌هایش را تعیین می‌کند و نه فرماندهان جنگی، و از این رو نمی‌تواند اوضاع هر وقت بر وفق مراد فقهای پیش رود که هم خواهان جنگ نامحدودند، و هم خواهان آنند که صدور نفت بی‌درسر انجام پذیرد و نفت به راحتی به اسلحه تبدیل شود.

علت به ناکزیر معطل را از بی دارد و جنگ جدا از بی‌آمدهای منطقه‌ای و بین‌المللی اش نیست. جایی می‌رسد که معطل می‌تواند در مقابل علت قرار گیرد. جنگ اکنون به چنین نقطه‌ای رسیده است و از همین روست که از برجسته‌تر شدن جوانب بین‌المللی جنگ سخن می‌گوییم.

برجسته‌تر شدن جوانب بین‌المللی جنگ، وزن فاکتورهای مختلف بین‌المللی دخیل در جنگ را تغییر می‌دهد. اروپای غربی را در نظر بگیریم، از بازار فروش اسلحه باید نفع برد و یا از تداوم صدور نفت از خلیج؟ تنها به ایران و عراق باید تکیه کرد یا کویت و عربستان و امارات متحده عربی را هم باید در نظر گرفت؟ دولت‌های اروپای غربی اکنون دو جانب برش‌هایی از این دست را سبک و سنگین می‌کنند و متناسب با اوضاع کنونی جای عوامل مختلف را بر حسب برجستگی کنونی‌شان، عوض می‌سازند. ژاک شیراک، نخست وزیر فرانسه در هفته گذشته در مصاحبه با لوموند گفت جمهوری اسلامی حوصله فرانسه را سر برده است و جنگ این رژیم با عراق باید خاتمه یابد. اکنون اظهاراتی از این قبیل نباید تعجب برانگیز باشند.

اوضاع برای فقها خوشایند نیست، بویژه که آنها علاوه بر جوانب بین‌المللی با فشار خردکننده جوانب داخلی جنگ نیز مواجه هستند. فقها در محاصره قرار گرفته‌اند. حمله بر آنها را تشدید کنیم.

نفت، با اسکورت یا بی اسکورت؟



فرمانده آمریکایی

"ما برای تامین آزادی کشتیرانی آمده ایم"

بسته شدن خلیج کمتر از ماست. آنها بطور رسمی سیاست نوین ما را می‌پذیرند، اما کسی ما را تشویق نمی‌کند و یا به دفاع فعال از ما بر نمی‌خیزد. بغیر از کویت، بقیه تولید کنندگان نفت منطقه نیز چنینند. نظر آنها، آنگونه که روزنامه سعودی الندوه بیان داشته است، این است که "حضور ناوگان ابر قدرت در خلیج ممکن است به فاجعه‌ای در منطقه منجر شود." در این نظر شاید غلوی صورت گرفته باشد. اما بهرحال مساله‌ای را بیان می‌دارد که مانع از سیاست نوین خود در خلیج فارس دست به یک ریسک بزنیم. تازمانی که یک تهدید ملموس دسترسی ما را به نفت خلیج دچار اختلال نساخته است، نیازی هم به ریسک کردن نیست.

یورش وحشیانه...

بقیه از صفحه اول
مورد اجرا گذاشته است. در کنیه هتلا، خانه‌ها و اماکنی که ایرانیان زندگی می‌کنند، پلیس عملیات کنترل و تفتیش افراد را سازمان می‌دهد و کسانی را که فاقد کارت اقامت باشند یا مدت اعتبار کارت آنها به پایان رسیده باشد، بازداشت می‌کند. بازداشت شدگان تنها پس از پرداخت مبالغ کلان باج و رشوه، آزاد می‌شوند. نیروهای ارتجاعی پیوسته خواستار دستگیری پناهندگان ایرانی و تحویل دادن آنها به جمهوری اسلامی می‌گردند.

می‌افزاید. نمی‌شود همه کارها را به ربهگان و انهاد. اکنون کلنگه آمریکا بر این اعتقاد است و برخی دیگر از محافل و مراکز تصمیم گیرنده در سیاستگزاری این کشور نیز.

این بحثها در چند هفته گذشته به مطبوعات آمریکا و دیگر کشورهای غربی نیز کشیده شده است. مقاله‌ای که در زیر می‌خوانید به قلم یکی از متخصصین امور نفتی آمریکا به نام جان. ایچ. لیشت بلاو، رئیس بنیاد تحقیقات صنعت نفت آمریکا است. نویسنده، طرفدار سیاست "نفت بدون اسکورت" است. این مقاله با عنوان "چه کسی می‌خواهد خلیج را ببندد" در روزنامه واشنگتن پست چاپ شده است و در نشریه "گاردین ویکلی" ۵ ژوئیه نیز درج گردیده است. مقاله را به خاطر بازتاب دادن بحثهای درونی هیات حاکمه آمریکا در مورد خلیج فارس و برخی اطلاعات مفید آن، برای درج در نشریه برگزیده ایم.

پایانه رفت و آمد دارند، جلوی صدور نفت ایران را بگیرد. عراق در این زمینه موفقیت زیادی نیافته است. در چند ماهه گذشته حملات آنقدر قلیل و پراکنده بوده‌اند، که در امر صدور نفت ایران اختلالی پدید نیامده است.

اما اکنون توجه بر روی جبهه دیگری از جنگ نفت کشها متمرکز است، حملات ایران به نفت کتلهای کویت. عراق نفت خود را از طریق خط لوله ویاتانکر صادر می‌کند و به راه آبی نیازی ندارد. از همینرو ایران نمی‌تواند در این زمینه برای عراق مشکل بیافریند و لذا به نفت کویت به مثابه جانشین نفت عراق می‌نگرد، بویژه این که کویت در جنگ طرف عراق را دارد. اما حملات ایران به نفت کتلهای حامل نفت کویت نیز آنسان قلیل و پراکنده بوده است که بر روی تولید و صدور نفت این کشور تاثیری نداشته است. برای کویت، خرابکاری‌هایی که از سوی ایران در تاسیسات نفتی اش انجام می‌گیرد خیلی جدی‌تر از حملاتی است که متوجه نفت کتلهای کویتی می‌شود.

در همان حالی که نفت، شکم بازار را پر می‌سازد، پرزیدنت ریگان از این در وارد شده که "ما به هیچ رو نباید عقب بنشینیم و بگذاریم خلیج فارس به روی تجارت بین المللی بسته گردد." صحیح، اما چه کسی می‌خواهد خلیج را ببندد؟ مطمئناً ایران علی‌رغم "وحشی‌گری" مورد اذعان پرزیدنت، چنین قصدی ندارد. بسته شدن موثر خلیج فارس،

متحدین ما، که بیشتر از ما به نفت خاور میانه وابستگی دارند، آشکارا دغدغه خاطرشان از بابت

سیاست دولت ریگان در خلیج فارس از جمله مبنی بر این دواصل است که ۱ - "حضور تاریخی" آمریکا در منطقه باید محفوظ بماند. ۲ - شهرهای نفت منطقه باید باز بمانند و رفت و آمد نفت کتلهای در خلیج فارس و دریای عمان دچار اختلال نشود. دولت ریگان اکنون دواصل را با یکدیگر ترکیب می‌کند و از آنجا به این نتیجه می‌رسد که نفت کتلهای را باید با آن "حضور تاریخی" اسکورت کرد. اما همچنان که نفت ماده‌ای است محترقه و نمی‌توان در کنار آن آتش روشن کرد، در کنار هر نفت کتلهای نمی‌توان یک ناو دارای سلاحهای آتشین روانه ساخت. ممکن است وضعیتی فراهم آید که باید از یکی صرف نظر کرد و بهای منطقه را در گرو ساخت و در کنار دواصل بالا، اصول دیگری را بر چسبته ساخت. اکنون در محافل هیات حاکمه آمریکا چنین بحثهایی جریان دارد. این موضوع که قضیه "ایران گیت" به موضوعی جدی تبدیل شد نیز بر جدیت این بحثها

پرزیدنت ریگان در آخرین سخنرانی خود و نیز در مصاحبه مطبوعاتی‌ای که در ونیز داشت حفظ منابع نفتی را به عنوان پایه اصلی سیاست جدید خود در خلیج فارس که مبنی بر حضور ناوهای جنگی است، نام برد. او پیش از این در بیانیه مشروحتری به "تأخیر دردناک بحران نفت خاور میانه در چند سال پیش یعنی آن صفهای مایوس کننده دریافت بنزین" اشاره کرده و گفته بود "من مصمم هستم که دیگر هرگز دست اقتصاد ملی‌مان آنسان بسته نگردد."

ما پس از این که ریسک اعزام نیروی دریایی‌مان به منطقه جنگی خلیج با حمله به ناو آمریکایی استارک مواجه شد، بایستی این پرسش را مطرح سازیم که آیا دسترسی به نفت خاور میانه، آنگونه مورد تهدید واقع شده است که اقدام مستقیم ضرورت یابد؟

اولین واقعیتی که باید در نظر بگیریم، این است که منابع نفتی مورد بهره‌برداری در خاور میانه آنسان سرشارند که مساله واقعی تولید کنندگان نفت این منطقه این است که برای اجتناب از مورد تهدید قرار گرفتن قیمت مقرر از سوی اوپک، از صدور مقادیر زیاد نفت خودداری ورزند. این مساله در طی هفت سال که از جنگ ایران و عراق نیز می‌گذرد، قوت خود را حفظ کرده است. در طی این هفت سال، مهاجم اصلی به نفت کشها، مسلما عراق بوده است که می‌کوشد با حمله به پایانه نفتی جزیره خارک و نفت کتلهایی که به این

روابط تهران و دمشق

ستون "کیهان محرمانه" و با عنوان "سکوت دمشق" با بهانه اعلام خبر "دیدار قریب الوقوع شولتز وزیر خارجه آمریکا از دمشق و احتمال ملاقات اسد باریگان" به توضیح پیرامون "تلاشهای میانجی گرایانه شاه حسین در آشتی دادن سران سوریه و عراق و ملاقات این دو طرف روزهای آینده در امان" پرداخت، و افزود، "همچنین گفته می شود شنبه گذشته عبدالحمید خدام و طارق عزیز در خاک اردن ملاقات کرده اند."

روزنامه کیهان در ادامه مطلب خود پیرامون گسترش مناسبات بغداد و دمشق نوشت، "سوریه مقدمات بازگشایی خط لوله نفتی صادراتی عراق را به مدیریت آغاز نموده، هم اکنون با استفاده از کامیون و تریلیر نفتکش، سرگرم انتقال نفت صادراتی عراق از خاک خود می باشد."

کیهان در پایان نوشته با اشاره به رویدادهای فوق الذکر نتیجه گرفت چنانچه سوریه در قبال اخبار منتشره همچنان به "سکوت طولانی" خود ادامه دهد، نشانگر آن است که این کشور "به تجدید نظر در سیاستهای خود" دست زده است.

اخبار و گزارشهای مربوط به روابط سوریه و آمریکا، سوریه و لبنان و گروههای درگیر در این کشور، سوریه و عراق، طی روزهای گذشته در رسانه های جمهوری اسلامی با برجستگی خاصی نسبت به چندماه قبل، بازتاب یافتند. درنگاهی به گزارشهای مطبوعات رژیم در مورد مسایل مربوط به سوریه، هر چند از زمان لغو سفر موسوی به دمشق بیشتر می گذرد، هر درشتی "تیترا" اخبار و ابهام تفسیرات پیرامون آنها افزوده می شود.

روزنامه کیهان ۹ تیرماه با اعلام سفر "ورنون والترز" نماینده آمریکا در سازمان ملل به سوریه، نوشته است، "ریستان در اجلاس ونیز در مورد بهبود روابط با سوریه با تاخیر مذاکره کرده است."

روز ۱۰ تیر، در همین روزنامه، خبر سفر نمایندگان حزب الله لبنان به سوریه برای گفتگو با مقامات دمشق انتشار یافت. در توضیح این خبر آمده است، "یک هیات از حزب الله لبنان روز گذشته به منظور ادامه گفتگو با مقامات سوری در مورد کوششهای جاری برای آزاد کردن "چارلز کلاس" خبرنگار آمریکایی به سوریه رفت."

و در روز سیزدهم تیرماه، روزنامه کیهان در زیر

اکثریت کارگران بیکار مشمول بیمه

بیکاری نپسندند

"دستور العمل های اجرایی قانون بیمه بیکاری طرف مدت یکماه توسط وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و از همان تاریخ به اجرا گذاشته خواهد شد." این مطلب را سلامتی معاون وزیر کار روز یکشنبه ۱۴ تیر در بی اعلام نظر شورای نگهبان در موافقت با قانون بیمه بیکاری، در گفتگو با روزنامه کیهان اعلام نمود.

سلامتی در این مصاحبه در مورد کسانی که مشمول قانون بیمه بیکاری هستند، گفت، تنها آن دسته از کارگرانی که در طول سال ۶۵ نزد سازمان تامین اجتماعی بیمه بوده اند، مشمول این قانون خواهند بود. وی افزود طبق این قانون به بازنشستگان و از کار افتادگان کلی، صاحبان حرف و مشاغل... حق بیمه بیکاری تعلق نخواهد گرفت. صدها هزار کارگر ساختمانی، کشاورزی، بخش خدمات و حمل و نقل و دستفروشان و... در همین ردیف گنجانده شده اند.

معاون وزیر کار در مورد کارگران بازخرید شده که رژیم تحت فشار اقتصادی آنان را وادار به ترک کار و زندگی خود ساخته گفت: "به موجب این قانون در واقع کسانی بیکار تلفی می شوند که بدون میل و اراده خود بیکار شده باشند و باز خرید شدگان شامل این تعریف نمی شوند."

وی در پیرامون سؤالی مبنی بر میزان مقرری ماهیانه در قانون بیمه بیکاری توضیح داد طبق بند "ب" ماده ۷ این قانون مقرری ایام بیکاری به میزان حداقل حقوقی که از طرف شورای عالی کار تعیین شده است پرداخت می گردد.

لازم به توضیح است که حداقل دستمزد روزانه کارگران برای سال ۶۵ از سوی شورای عالی کار ۷۶۰ ریال تعیین شده است.

اعتصاب کارکنان دفتر هواپیمایی درم

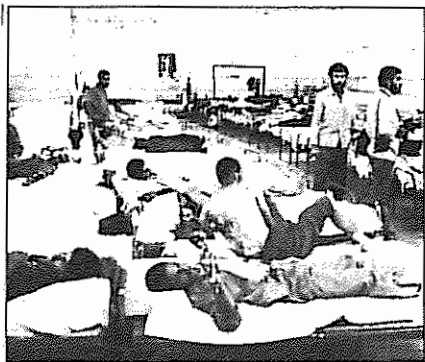
اعتصاب کارکنان محلی دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران درم که یکماه و نیم قبل به عنوان اعتراض به اخراج یکی از همکارانشان به بهانه عدم رعایت "شئون اسلامی" آغاز شد همچنان ادامه دارد و کارکنان سایر شرکت های هوایی مستقر درم نیز از روز جمعه ۵ تیر به عنوان همبستگی با این عده به مدت ۲ ساعت دست از کار کشیدند. اعتصاب کارکنان دفتر هواپیمایی به دعوت و حمایت دو سندیکای کارگری ایتالیایی صورت گرفته است.

قاسم زین علی مدیر هواپیمایی جمهوری اسلامی در ایتالیا طی گفتگو با مطبوعات ضمن تأیید خیرادامه اعتصاب، آن را "جاری و جنگال تبلیغاتی" و "توطئه چینی سندیکاهای ایتالیا" علیه رژیم خمینی قلمداد کرد.

روزنامه ها و افکار عمومی ایتالیا به اشکال متفاوت با اعتصاب کارکنان ایران همبستگی کرده اند. به نوشته روزنامه کیهان ۶ تیر، "روزنامه بریتراژ ال ساچرو در شماره پنجشنبه (۴ تیر) خود ضمن چاپ تصویری از درهای بسته دفتر (هما) به نقل از یکی از کارکنان اعتصابی نوشته است اعتصاب به دلیل امتناع کارکنان زن از به تن کردن پک اونیزم زشت و یک روسری سنگین و گرم بوجود آمده است."

در بمباران شیمیایی سردشت ۲۰۰ تن آسیب دیدند

این درگیری را ۱۲۱ تن کشته و ۲۰۰ مجروح ذکر کرد. حال ۶۵۰ تن از مجروحان به شدت وخیم است.



شهر سردشت و روستای "ژاژوجه" از توابع آن روزهای سه شنبه ۹ تیر و چهارشنبه ۱۰ تیر هدف حمله چنگنده بمب افکن های عراقی قرار گرفتند. در مطبوعات رژیم پیرامون تلفات این حملات خبری بازتاب نیافت.

بمباران روزهای شنبه و چهارشنبه، سومین یورش هواپیمای عراقی به شهر سردشت طی سه هفته گذشته بود. در جریان تهاجمی که دو هفته پیش صورت گرفت، شش بمب شیمیایی پرتاب شده از هواپیما، بازار، بیمارستان و برخی دیگر از نقاط پرجمعیت شهر را در میان شعله های آتش و توده ای از ابرهای شیمیایی فروبرد.

کارداد جمهوری اسلامی در سازمان ملل، طی نامه ای که به خاویز برزد و کوئینار نوشت، رقم تلفات

دامی تازه برای کشاندن جوانان به مسلخ جنگ

جمهوری اسلامی نیز اعلام کرد، باتوجه به مصوبه مجلس اسلامی جهت دستگیری مشمولین فراری و غایب و کارفرمایی که این مشمولین را به کار می گیرند و وظیفه ای که پاسداران در این مأموریت به عهده دارند، از روز اعلام این خبر، سپاه با نیروی بیشتری وارد عمل خواهد شد. در ادامه خبر گفته شد، بدین منظور "ستادی جهت جذب مشمولان و جلب مشمولین فراری و غایب در ستاد مرکزی پاسداران اسلامی تشکیل شده است."

در پایان اطلاعیه سپاه تأکید شد، "مشمولان فراری قبل از برخورد قانونی خود را به حوزه های وظیفه معرفی کنند و کلیه افراد ذکور نیز در سراسر کشور که در سالیهای مشمولیت هستند گواهی یامدرکی حاکی از پایان یا عدم مشمولیتشان می باشد همراه داشته باشند."

روابط عمومی پاسداران خمینی با صدور اطلاعیه ای اعلام کرد، داوطلبانی که در کنکور سراسری شرکت کرده اند چنانچه تا آخر تیرماه به لشکریان مدافعان خلیج فارس بپیوندند، علاوه بر استفاده از تسهیلات رزمندگان در کنکور، مدت آموزش و حضور تا حداقل ۲ ماه، جزو خدمت وظیفه عمومی شان محسوب خواهد شد.

تأکید بر آخر تیرماه به عنوان پایان مهلت ثبت نام برای اعزام به جبهه عمدا و در ماهنگ با اقدامات وزارت آموزش عالی به این خاطر صورت گرفته است که شرکت کنندگان کنکور سراسری سال جاری، در اضطراب از نتیجه "گزینش اخلاقی" دانشگاهها، تن به شرفند سپاه بدهند و با پای خود به مسلخ جنگ بروند.

سپاه پاسداران هفته گذشته همزمان با صدور اطلاعیه فوق، روز دوشنبه ۱۵ تیر از طریق رادیو

ولایتی خواستار اخراج پناهندگان سیاسی ایرانی از آلمان فدرال شد

طی مصاحبه مطبوعاتی روزنامه آلمانی "نوبه اوسنا بروکر تسایتونگ" درخواستی را نیز با دولت "بن" مبنی بر تشدید فشار و اخراج اپوزیسیون انقلابی رژیم به عنوان شرط حفظ روابط جاری تهران و بن طرح کرد. ولایتی گفت، دولت آلمان در صورت تمایل به داشتن رابطه خوب با ایران باید پناهندگان را از خاک خود اخراج کند و به آنان پناهندگی سیاسی ندهد.

دولت بن هم اکنون با حجمی بیش از ۲ میلیارد دلار مبادلات تجاری در صدر کشورهای صادرکننده کالا و تکنولوژی به ایران قرار دارد. روز پنجشنبه ولایتی در بازگشت از سفر سه روزه به اتریش وارد "رم" شد. مقامات ایتالیایی به گرمی از وزیر امور خارجه خمینی استقبال کردند.

رد لایحه ادغام وزارت کشاورزی در جهاد سازندگی

از زمینه‌های مناقشه جناحهای حکومتی بود و هریک از طرفین، برای به کرسی نشاندن نظر خود دیگری را به بی‌کفایتی متهم می‌کرد. روز ۲۸ خرداد وزیر جهاد سازندگی در مصاحبه با رسالت صریحا اعلام داشت، "وزیر کشاورزی و بهداشت را می‌گویند که باید جهاد منحل شود و بپایند این طرف و ما می‌گوئیم بپایند این طرف. این مسئله‌ای است که باید مجلس در باره اش تصمیم بگیرد."

جناح رسالت در مجلس مخالف لایحه ادغام بود و در بازتاب نظر این جناح، احمد توکلی در روزنامه رسالت طی سرمقاله‌ای با لایحه ابراز مخالفت کرد.

آغاز کار دادرسی ویژه روحانیت

رسیدگی قرار خواهد گرفت" و تاکید نمود با روحانیونی که صلاحیت آنان توسط "حوزه علمیه" و "مراجع ذیصلاح" تایید نشود، شدیداً برخورد خواهد شد.

دادستان ویژه روحانیت، در پایان سخنان خود از "امت شهیدپرور" خواست در صورت داشتن هرگونه اطلاعاتی با دفتر این دادسرا واقع در دادستانی اوین مکاتبه کنند.

"دادگاه ویژه روحانیت" روز ۲۵ خرداد سال جاری به دستور خمینی تشکیل گردید و فلاحیان و رازینی از طرف وی به عنوان دادستان و حاکم شرع این دادگاه منصوب شدند. محکمه سابق آخوندها زیر نظر حوزه علمیه قم سرپرستی می‌شد.

پادار اهی حزب جمهوری اسلامی چه می‌شود؟

است، "اکنون که پیرو درخواست اینجانبان و موافقت حضرت امام، حزب جمهوری اسلامی تعلیل و فعالیت آن متوقف گردیده است... از سوی اینجانبان هیاتی برای رسیدگی به امور مالی حزب و تعیین تکلیف اموال و ائینه حزب برگزیده شده، کلیه محاسبات و امور حقوقی و دادوستدها در مورد ایشیا مزبور فقط بوسیله این هیات انجام خواهد شد و هیچ سازمان و بیافرادی از داخل و خارج حزب، مجاز به تصرف در آن نمی‌باشد."

علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی که در راس هیاتی جهت مذاکره با مقامات اتریش و ایتالیا به اروپا رفته بود، روز جمعه ۱۲ تیر به تهران بازگشت.

در اتریش، ولایتی با کورت والدهایم رئیس جمهور و رانیتزکی نخست وزیر و لئوبولد گراتس رئیس مجلس این کشور دیدار و مذاکره کرد. به نوشته مطبوعات رژیم، گسترش مبادلات دو کشور و جنگ ایران و عراق در این دیدار مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

همزمان با ورود ولایتی به وین، باردیکر موضوع معاملات تسلیحاتی ۸۰۰ میلیون دلاری رژیم اسلامی با شرکت "فوست" اتریش در مطبوعات و مجلس این کشور طرح شد.

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در اتریش

لایحه انتقال وظایف و اختیارات وزیر و وزارت کشاورزی به وزیر و وزارت جهاد سازندگی که در مجلس مطرح بود، به تصویب نرسید. این خبر را خبرگزاری جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۱۵ تیر اطلاع داد. طبق گزارش رادیوی رژیم، به هنگام بررسی این لایحه زالی وزیر کشاورزی و ژنگنه وزیر جهاد سازندگی نیز حضور داشتند و هریک بر له وزارت خانه خود سخنانی ایراد کردند.

لایحه ادغام وزارت کشاورزی در جهاد، اسفند ماه گذشته در هیات دولت تصویب شد و برای تصویب نهایی به مجلس اسلامی ارسال گردید. از آن زمان تاکنون موضوع ادغام وزارت کشاورزی در جهاد یکی

حجت الاسلام فلاحیان قائم مقام ساواک جمهوری اسلامی و دادستان دادگاه ویژه روحانیت، روز دوشنبه ۱۵ تیرماه طی گفتگویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی ضمن اعلام خبر تشکیل دادرسی ویژه روحانیت در شهرها، قم، اصفهان، مشهد، شیراز و... گفت، در سایر شهرها نیز "در صورت نیاز" این دادسرا تشکیل خواهد شد.

فلاحیان در ادامه مصاحبه خود، افزود، "کار رسمی دادسرا از روز چهارشنبه ۱۷ تیر آغاز می‌شود." وی بدون اشاره به علت تعجیل تشکیل محکمه آخوندها، خاطر نشان ساخت، "در این دادسرا اختصاصاً جرایم ضد انقلابی، فساد، فحشا و اتهاماتی که با نشان روحانیت منافات داشته باشد مورد

به دنبال اعلام انحلال و توقف کامل فعالیت‌های حزب جمهوری اسلامی، خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی با انتشار اعلامیه‌ای، تکلیف اموال حزب را مشخص کردند. در اعلامیه منتشره که متن کامل آن در روزنامه کیهان (۱۱ تیرماه به چاپ رسیده)، به تمام اعضا، کادرها و مسئولان حزبی "مشدار داده شده از "تصرف اموال حزب" خودداری کنند و آن را در اختیار فرستادگان ویژه رفسنجانی و خامنه‌ای قرار دهند.

در این باره در بخشهایی از این اعلامیه آمده

اعضای هیات رئیسه شورای مرکزی اصناف معین شدند

شورای مرکزی اصناف تهران با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد در اولین جلسه شورا که هفته اول تیرماه تشکیل شد، اعضای هیات رئیسه "شورای مرکزی" معین شدند. اسامی اعضای هیات رئیسه عبارتند از: محسن لسانی مطلق، حسن پور بختیاری، محسن آقایی قلیکی، محمد علی قنبری و سید محمد باقر هاشمی گلپایگانی. این افراد از پانزدهم تیرماه سال جاری، رسماً مسئولیت اداره امور اصناف را بر مبنای نظام صنفی عهده‌دار خواهند بود. بر اساس اطلاعیه شورا، "کلیه واحدها و اتحادیه‌های صنفی، وزارتخانه‌ها، ارگانها، نهادها، سازمانها موظف شده‌اند مسایل مربوطه را رسماً به نام شورای مرکزی اصناف تهران ارسال دارند." شورای مرکزی اصناف اصلی‌ترین تشکل سرمایه‌داران بازار است.

در پی انتشار اطلاعیه "شورای مرکزی اصناف"، خبرگزاری جمهوری اسلامی روز ۱۲ تیر خرداد بنا به تصمیم دولت در "سراسر کشور کمیسیون نظارت بر شورای مرکزی اصناف تشکیل می‌شود." در گزارش این خبرگزاری گفته شد، "تصمیم در مورد تشکیل کمیسیون نظارت بر شورای مرکزی اصناف که ریاست آن را استانداران بر عهده دارند در سینار اخیر استانداران با حضور نخست وزیر اتخاذ شده است."

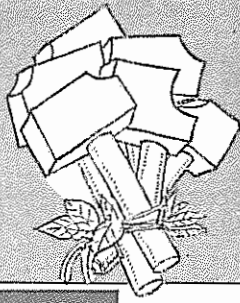
خبر تشکیل شورای مرکزی اصناف "برای اولین بار روز ۵ خرداد توسط سعید امانی یکی از سخت‌کویان عمده سران بازار در مجلس طرح شد. وی به وکلای مجلس اسلامی گفت دستور ایجاد تشکیلات اصناف توسط خمینی صادر شده است."

خلع سلاح پاسداران توسط مامورین شهرداری

به گزارش روزنامه کیهان ۲۱ خرداد، طی دو هفته، دو بار بین ماموران مسلح سد معبر شهرداری و پاسداران "کمیته هماهنگی دفاتر جنگ سازمانها" زدو خورد مسلحانه روی داد. روزنامه کیهان در باره علت و چگونگی این درگیری می‌نویسد، حدود ۱۵ روز پیش شهردار و گروهی از مامورین شهرداری منطقه ۹ به محل کمیته هماهنگی دفاتر جنگ سازمانها و نهادها استان تهران واقع در ۱۵ کیلومتر ۱۵ جاده کرج که اقدام به ساختمان سازی و بناهای در محل ستاد صحرایی خود کرده بود، مراجعه کرده و به علت فقدان پروانه ساخت خواستار توقف عملیات ساختمانی شدند. لکن نگهبانان و مامورین کمیته مذکور توجهی نکرده و درگیری بین آنان رخ داد.

به دنبال این واقعه چهارشنبه گذشته مجدداً از سوی شهرداری به کمیته هماهنگی اخطار شد و در پی عدم توقف عملیات، ساعت ۴/۵ صبح جمعه مامورین شهرداری منطقه ۹ بار دیگر به محل مراجعه کرده و پس از خلع سلاح نگهبانان ساختمان اقدام به تخریب دیوارهای ساخته شده کردند.

روزنامه کیهان در ادامه این خبر به نقل از کسانی که در محل حضور داشتند نوشته است، "مامورین شهرداری پس از تخریب، دو نگهبان ساختمان و اسلحه‌ها و بی‌سیم آنان را به همراه ۷۵ کامیون آجر و کلیه وسایل موجود در محل با خود برده‌اند."



خبرهایی از جنبش کارگری

کارخانه سهندا

طی اردیبهشت ماه سال جاری، مدیریت کارخانه سهندا به بهانه نبود مواد اولیه و عدم تولید، فرمانی را بمنظور بازخرید کردن کارگران در میان آنان توزیع کرد. کلیه کارگران کارخانه در پی این تصمیم مدیریت و برای مقابله با آن مجمع عمومی تشکیل دادند که در جریان آن بطور متحد و یکپارچه به اعتراض بر علیه سیاست بازخرید برخاستند. اعتراضات کارگران هرچند که در ظاهر امر متوجه مدیریت بود. اما آنها مدیریت را یکی از گماشتگان رژیم می‌دانستند که مجری سیاستهای ضد کارگری رژیم است.

کارخانه الیاف

در کارخانه الیاف، کارگران بعد از مدت‌ها مبارزه برای اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل سرانجام در فروردین ماه موفق شدند وزارت کار و مدیریت واحد را به اجرای طرح مجبور سازند. در پی اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل در این کارخانه، شورای کارخانه که عمدتاً از عوامل مدیریت بود، بعد از چندین سال پایان دوره قانونی خود را اعلام کرد. بدینال آن وزارت کار با تمهیدات مدیریت در نظر داشت که طرح شورای اسلامی کار را در کارخانه بصورت نمایی به اجرا در آورد که با مخالفت کارگران روبرو شد و طرح بمدت نامعلومی به تعویق افتاد.

شهر صنعتی البرز

اداره کار قزوین بمنظور تشکیل پرونده اطلاعاتی برای کارگران، در نظر دارد برای تمامی کارگران شناسنامه کار تهیه کند. مامورین این اداره بهمین منظور اخیراً مدوماه به کارخانجات شهر صنعتی مراجعه می‌کنند. در این رابطه گفته می‌شود که اگر کارگری برگ معرفی اداره کار را نداشته باشد از کارخانه اخراج خواهد شد و شناسنامه کار بوی تعلق نخواهد گرفت. این مسئله باعث نگرانی شدید کارگران شده است. بسیاری از کارگران شهر صنعتی البرز، که غیر بومی هستند و بدون برگ معرفی اداره کار استخدام شده‌اند، اکنون با خطر بیکار شدن مواجه هستند. تا بحال بدینال این طرح اداره کار قزوین، ۲۵ نفر از کارگران کارخانه قوه پارس اخراج شده‌اند و در کارخانه تولی فارما به ۶ تن از کارگران مرد و به ۱۲ تن از کارگران زن گفته شده است که اخراج خواهند شد.

چندی پیش انتخابات جدید اتحادیه مسکن کارگری شهر صنعتی البرز برگزار شد. این اتحادیه مردو هفته پیکار، در محل اداره کار تشکیل جلسه می‌دهد که اکثر تعاونی‌های مسکن کارخانجات بزرگ در این جلسات شرکت می‌کنند. جلسات اتحادیه، بخاطر عدم توانایی بانکها در پرداخت وام مسکن به کارگران عضو اتحادیه، هر بار عملاً بدون هیچ نتیجه‌ای پایان می‌رسد. همچنین تعاونیهای مسکن عضو این اتحادیه، تا بحال چندین بار برای درخواست میل‌گرد به نمایندگی فرماندار در این اتحادیه مراجعه کرده‌اند. نماینده فرماندار به کارگران گفته است ما میل‌گردها را برای سنگر سازی احتیاج داریم. کارگران پاسخ داده‌اند، در صورتی که انواع میل‌گرد در بازار آزاد به راحتی قابل تهیه می‌باشد، چگونه است که تعاونیها از داشتن این جنس

کارخانه پارس فاستون اصلهان

در سال ۶۵ انجمن اسلامی این کارخانه باتوسل به زور تهدید و با طرح اینکه امسال سال پیروزی جنگ است، اعلام نمود که از حقوق کلیه کارکنان کارخانه ماهانه مبلغ ۱۵۰ تومان بمنظور کمک به جیبه‌ها کسر خواهد شد. این مبلغ بیشتر از دستمزد یک روز کارگران بود. این اقدام انجمن اسلامی هرچند که با مخالفت شدید کارگران مواجه شد، اما انجمن اسلامی با تهدید به اخراج موفق شد تا پایان سال ۶۵ این مبلغ را از حقوق کارگران کسر کند. در این میان تنها عده‌ای از زنان کارگر که از نظر مالی شدیداً تحت فشار بودند، با اعتراضات مکرر در مقابل این باجگیری رژیم ایستادگی کرده و از پرداخت این مبلغ خودداری نمودند. در دو ماهه اول سال جاری نیز، انجمن اسلامی برخلاف وعده خود باز به کسر مبلغ فوق از حقوق کارگران اقدام نمود. ادامه این زورگویی بعد از دو ماه به اعتراض شدید کلیه کارگران کارخانه منجر گردید و انجمن اسلامی در مقابل کسرتش اعتراضات مجبور به عقب نشینی شد و قرار شد، کسر این مبلغ از حقوق کارگران متوقف شود.

در سال پیش، همچنین انجمن اسلامی این کارخانه اعلام کرده بود که می‌باید عده‌ای از پرسنل کارخانه "داوطلبانه" به جیبه اعزام بشوند. زمانی که هیچ یک از کارکنان و کارگران داوطلبانه حاضر به شرکت در جنگ ویرانگر نشدند، مزدوران انجمن، با توسل به زور و تهدید به اخراج، هر ۴۵ روز یکبار عده‌ای را وادار به اعزام به جیبه می‌نمودند. تاکنون ۲ نفر از کارگران این کارخانه در جیبه، کشته شده‌اند که موجب اعتراض و نفرت شدید کارگران از مزدوران انجمن و رژیم جنگ افروز گردیده است. عده‌ای از کارگران نیز به خاطر خودداری از شرکت در جنگ مجبور شده‌اند استعفا بدهند.

کارخانه چینی البرز

کارگران این کارخانه بعد از مدت‌ها مبارزه بخاطر دریافت حق بهره‌وری، موفق شدند، مسئولین را وادار به پرداخت آن نمایند.

کارخانه کنتورسازی

-اعتراضات کارگران کنتورسازی به عدم پرداخت حق بهره‌وری تولید، هنوز به نتیجه‌ای نیاختجامیده است. آنها پاره‌ها تا جمع خود در مقابل دفتر مدیریت و با مراجعه به شورا اعتراض خود را بیان کرده‌اند. در این کارخانه ۶ ماه حق بهره‌وری به کارگران پرداخت نشده است.

-تعاونی مصرف کارخانه کنتورسازی، در پی

عدم دسترسی به کالاهای مورد نیاز کارگران، مدیریت کارخانه را مجبور کرد که مبلغ ۱۵۰ هزار تومان بصورت وام به تعاونی واگذار کند، تا تعاونی کالاهای مورد نیاز را بطور آزاد تهیه کرده و در اختیار کارگران قرار دهد.

کارخانه آلومینتک

کارگران این کارخانه در پی اعتراضات مکرر خود به کمی دستمزد و حق بهره‌وری و عدم تحویل لباس کار از طرف کارخانه، چندی پیش طو ماری راهپیمایی به اداره کارفرستادند. مسئولین اداره کار شهر صنعتی البرز، بمنظور جلوگیری از گسترش اعتراضات کارگران قول دادند که به خواستهای آنان رسیدگی شود.

راه آهن تهران

رژیم بمنظور تامین بخشی از هزینه‌های جنگ ویرانگر، مدت‌هاست که اقدام به واگذاری کارخانجات و موسسات دولتی به بخش خصوصی می‌کند. در راستای این سیاست، رژیم در اندیشه آنست که بتواند راه آهن کشور را به سرمایه‌داران واگذار نماید. اکنون این خبر که هرازچندی در نشریات دولتی نیز منعکس می‌شود، یکی از موضوعات مورد بحث در بین کارگران و کارکنان راه آهن می‌باشد. عوامل رژیم در راه آهن با ترفندهای مختلف سعی می‌کنند کارگران را متقاعد نمایند که واگذاری راه آهن به بخش خصوصی به نفع کارگران است و می‌تواند به تحصیل مزایای بیشتر منجر گردد. اما اکثر کارگران راه آهن ضمن مخالفت با این سیاست ویرانگر رژیم، معتقدند که واگذاری راه آهن به سرمایه‌داران به فلاکت هرچه بیشتر کارگران منتهی می‌شود. کارگران راه آهن می‌گویند یکی از اولین اقدامات بخش خصوصی برای بدست آوردن سود بیشتر، اخراج عده بسیاری از کارگران خواهد بود.

در کنار تبلیغات عوامل رژیم مبنی بر زمینه‌سازی برای واگذاری راه آهن به سرمایه‌داران، مسئولین راه آهن طی ماههای اخیر با توسل به انواع فشارها سعی می‌کنند، کارکنان و کارگران را به ترک تهدید بکنند تا به تب راضی شوند. در همین رابطه آنها کسری مبلغ ماهانه بیمه درمانی کارکنان و کارگران را به دوبرابر افزایش داده و چندی پیش نیز پنج نفر کارگر مکاشین را به بهانه کم کاری و دیر آمدن بکار اخراج نموده‌اند.

کارخانه پلن‌خاور

پنا به طرح سازمان صنایع دفاع ملی، رژیم در نظر دارد ۴۰۰ تن از پرسنل شاغل مازاد در واحدهایی

مقررات وزارت کار، کارفرمایان حقوق کارگران را به شرکت بردکار واگذار می‌کنند. این شرکت بهر یک از کارگران ماهانه مبلغ ۲۱۰۰ تومان حقوق پرداخت می‌نماید و از طریق استثمار مضاعف آنان، ماهیانه ۱۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان نصیب خود می‌سازد. واگذاری کار به این شرکت، از آنجا که برای ادارات و شرکتهای کارفرما ارزان تمام می‌شود، باعث شده است که عده‌ای از کارگران قدیمی آنها اخراج شوند.

معادن سنگ گچ و کارخانه‌های گچ پزی کازرون

در شهر کازرون (واقع در استان فارس) حدود ۲۲ واحد کارگاه گچ پزی و بیش از این تعداد معدن سنگ گچ وجود دارد که در هر کارگاه حدود ۱۰ الی ۱۲ نفر کارگر و در هر معدن ۵ الی ۱۰ نفر کارگر مشغول بکار هستند. از آنجا که کارگران معدن و کارگاهها بصورت دسته جمعی کار می‌کنند، عمدتاً خواسته‌هایشان را بصورت جمعی بیان می‌کنند. بعد از انقلاب یکی از مهمترین مطالبات کارگران تامین بیمه‌های اجتماعی بود. این خواست کارگران توسط شورای متحدی که بوجود آورده بودند، پیگیری می‌شد. در اوایل سال ۶۰ کارفرمایان توانستند، توسط امام جمعه شهر و عناصر مرتجع سیاه، شور را از درون و بیرون متلاشی کرده و عملاً اثرات منحل سازند. تاکنون به علت حمایت‌های همه جانبه امام جمعه و مسئولین ضد کارگر شهر از کارفرمایان، کارگران موفق نشده‌اند بیمه شوند. تنها تعداد انگشت شماری از آنان که نشان به ۶۰ سال رسیده است، موفق شده‌اند، خود را بیمه کنند. حقوق کارگران این معادن و کارگاهها، کفاف نان بخور و نمیر را نمی‌دهد. مثلاً کارگری بازن ۶۰ نفر فرزند ماهیانه فقط ۲۰۰ تومان حقوق می‌گیرد.

بخشی از نامه یک کارگر

"... سال گذشته تو، تمام کارخانه‌ها صحبت کارگرها درباره افزایش دستمزد بود. فشار ناشی از گرانی دمار از روزگار کارگران و زحمتکاران در می‌آورد. پارسال باهر کارگری صحبت می‌کردی فوری مسئله افزایش دستمزد را پیش می‌کشیدی. افزایش دستمزد مخصوصاً برای کارگران بخش خصوصی که معمولاً از مزایای بسیار پائینی برخوردارند، واقعاً بسیار جدی و حیاتی است. اکثر کارگران در انتظار تصمیم شورا برای کار بودند تا ببینند، بقدر در دستمزدشان اضافه می‌شود. اما وقتی که نظر شورایی عالی کار اعلام شد، کارگران واقعاً بهت‌شان زده بود. بالاخره کوه موش زائید. بنا به نظر شورا ۴۰ ریال به حقوق کارگران اضافه شد. مسئله ۲۰۰ تومان بن کارگری که طرح شد،

یک عده اول متوهم بودند ولی بعدها با افشاکاری کارگران آگاه توهم عده زیادی از کارگران رفع شد... امسال نیز مثل سال گذشته افزایش دستمزد ما متناسب با رشد تورم جزو مطالبات کارگران است. البته اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل با مشارکت کارگران نیز به یکی از محورهای اصلی مطالبات کارگران تبدیل شده است.

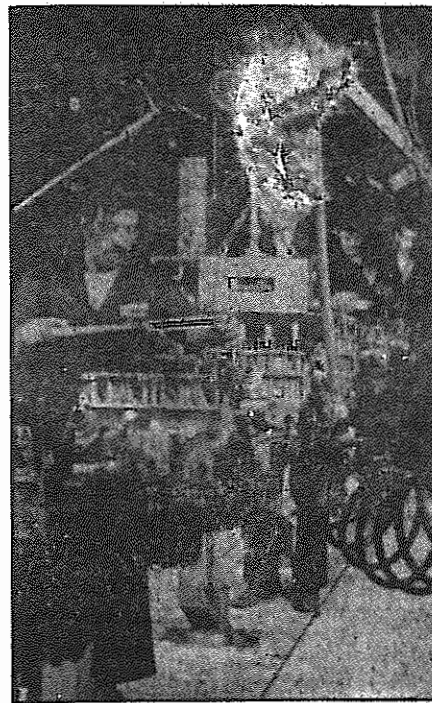
... بعد از عید روحیه اعتراضی کارگران مخصوصاً در رابطه با افزایش دستمزد و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل بطور قابل توجهی افزایش یافته است. بطوریکه اکنون به مسئله روز اکثر کارخانه‌ها تبدیل شده است."

... اخیراً ۹۱ تن از کارگران زن در این کارخانه توسط مدیریت از کار اخراج شده‌اند. کارگران کارخانه در اعتراض به این اقدام مدیریت، به شورای کارخانه اعتراض کرده‌اند.

کارخانه ایران دوچرخ

در این کارخانه، بمناسبت روز کارگر عده‌ای از کارگران را به جبهه اعزام داشتند. در این کارخانه آموزش نظامی برای تمام کارگران اجباری است.

تولید این کارخانه طی سال گذشته، نسبت به سالهای قبل افت بسیاری داشت. به این خاطر در سال گذشته به کارگران حق بهره‌وری تولید پرداخت نکردید. مدیریت این کارخانه به کارگران گفته است افزایش حقوق که دولت وعده آنرا داده است، شامل کارگران ایران دوچرخ نمی‌شود. طرح طبقه بندی مشاغل نیز به اجرا در نخواهد آمد.



کارخانه چینی ارکید

در این کارخانه، کارگران موفق شدند حق بهره‌وری، تولید را دریافت کنند. حق بهره‌وری، تولید نسبت به سال پیشتر مبلغ کمتری بود که به ازای آن بمناسبت روز کارگر به تمام کارگران ۸۴ پارچه ظروف چینی تعلق گرفت.

در این کارخانه در نتیجه سهل‌انگاری مدیریت در یکی از ساختمانهای آن کودکی به علت برق گرفتگی جان خود را از دست داد.

شرکت بردکار (خاک سفید)

چندی است که در محله زحمتکش نشین خاک سفید شرکتی شروع بکار کرده است که کارش اجیر کردن کارگران و بویژه زنان زحمتکش خاک سفید است. این شرکت برای نطفات ادارات، بیمارستانها و شرکت‌های خصوصی عده‌ای از اهالی زحمتکش این محله را اجیر می‌کند و خود مستقیماً با ادارات و شرکتهای کارفرما قرار داد می‌بندد. بر اساس

را که تولید ندارند، به کار اسلحه‌سازی در سازمان صنایع اختصاص دهد. بر پایه این طرح، در کارخانه بنزخاور پس از حدود ۸ ماه عدم تولید و نبود مواد اولیه، قائم مقام وزارت صنایع طی سخنرانی در این کارخانه، خواستار اعزام کارگران به سازمان صنایع دفاع ملی شد. وی در این سخنرانی تلویحاً کارگران را به بازخرید و اخراج تهدید کرد و گفت کارگران باید خودشان داوطلبانه جهت تولید اسلحه برای جبهه‌های پیشقدم بشوند.

کارگران نه تنها داوطلب اعزام به سازمان صنایع نیستند، که به انجا مختلف در مقابل اعزام اجباری و تهدیدات مسئولین کارخانه مقاومت می‌کنند. مدیریت برای درهم شکستن مقاومت کارگران سعی می‌کند آنها را در گروه‌های ۲۰ نفری، با صدور حکم و به اجبار به سازمان صنایع بفرستد. بعد از صدور حکم‌های اجباری از طرف مدیریت، عده‌ای از کارگران به اخراج و استعفای انفرادی تن داده‌اند ولی بقیه کارگران سعی می‌کنند به اشکال گوناگون اعتراضات خود را گسترش داده و در مقابل اعزام اجباری به سازمان صنایع ایستادگی کنند. اکنون شکل اعتراض کارگران در حد مراجعه به وزارت کار و خانه کارگر می‌باشد. کارگران در مراجعات خود به مسئولین، علت تعطیلی واحدها و اخراج کارگران را عمدتاً نتیجه نبود مواد اولیه می‌دانند که پیامد سیاست جنگ افروزان و افلاس رژیم در تامین ارز برای مواد اولیه کارخانجات می‌باشد.

کارخانه گمبر سورسازی

در این کارخانه بخاطر عدم اعتماد کارگران به شوراها دست نشانده اداره کار و مدیریت، مدت‌هاست که شورای کارگری وجود ندارد. اداره کار تا بحال، ۲ پارسی کرده است که برای تشکیل شورای این کارخانه، انتخابات ترتیب بدهد و هر بار به علت عدم استقبال کارگران، انتخابات برگزار نشده است. کارگران در جلسات مجمع عمومی یا ورقه سفید می‌دهند و با در روی اوراق عکس حیوانات کشیده و تحویل مسئول شورای اداره کار می‌دهند!

در این کارخانه در نتیجه عدم همکاری مدیر کارخانه با تعاونی مسکن کارگری، چند دستگاه خانه که قبلاً در حال ساختمان سازی بوده است، اکنون نیمه‌کاره مانده است.

در این کارخانه برای تمامی کارگران آموزش اجباری نظامی مقرر کرده‌اند که در صورت عدم شرکت کارگران، از حضور آنها در سرکار جلوگیری می‌شود.

کارخانه تولی فارما

چندی پیش در این کارخانه با حضور نماینده اداره کار و امور اجتماعی یکی از زنان کارگر با انتخاب کارگران به عنوان نماینده برگزیده شد. انتخاب این کارگر که مورد احترام و اعتماد تمامی کارگران زن و مرد کارخانه بود، با مخالفت انجمن اسلامی کارخانه مواجه گشت. انجمن اسلامی طی نامه‌ای به اداره کار به انتخاب این زن کارگر اعتراض کرده و خود را یکی از کارگران زن را که عضو کمیته سیاه و خبرچین انجمن می‌باشد، بعنوان نماینده به اداره کار معرفی کرده است.

در روستاهای مازندران

● روستاهای فیروزچاه و سنگچال در کوهستانهای جنگلی آمل واقع است. کار اصلی روستائیان آنجا دامداری و کشت بعضی از محصولات فصلی مانند گندم، جو و... می‌باشد. مدتی است که باز پای سرمایه‌داران و غارتگران چوب به این روستاها باز شده است. آنها همه روزه با حمایت مسئولین محلی رژیم، با وسایل مکانیکی واره‌برقی به قطع درختان جنگلی اطراف این روستاها مشغولند. رژیم جنگ افروز و ویرانگر، به ازای مهالغ ناچیزی، جنگلهای ملی شده را در اختیار سرمایه‌داران بخش خصوص قرار می‌دهد و بنا به اطلاع روستائیان، در منطقه سنگچال، بخش وسیعی از منطقه را در ازای ۵۰۰ یا ۶۰۰ هزار تومان به سرمایه‌داران فروخته است. روستائیان این منطقه، در اعتراض به این اقدام غارتگران، و نیز از آنجا که انهدام جنگلها، انهدام مراتع راه بدنهال دارد، از طریق مراجعه به مقامات دولتی با جمع آوری امضا و ارسال آن به محیط زیست و جنگلداری تلاش کردند چلو انهدام جنگلها را بگیرند. تا کنون شکایات روستائیان به نتیجه ای نایانجامیده است.

● فئودالهای منطقه فیروزکوه، که حدود ۹۰۰ هکتار زمین غصب شده از زمان شاه در اثر انقلاب از چنگشان بیرون آمده بود، دوباره با دردست داشتن سند مالکیت به منطقه برگشته اند. این زمینها تا امروز در اختیار بنیاد مستضعفان است. فئودالها از طریق

دادگاه از بنیاد خواسته اند که هر چه زودتر زمینها را در اختیار آنها بگذارد.

● در اواخر اسفندماه سال گذشته، یکی از فئودالهای غاصب منطقه فرج آباد ساری، بنام هاشمی، برای باز پس گرفتن زمینهای خود از طریق وکیلی که از تهران آورده بود، به دادگستری مازندران مراجعه کرده و طرح دعوا می‌نماید. روستائیان منطقه بدنهال اطلاع از این اقدام فئودال غاصب، دسته جمعی در محل دادگستری تحصن می‌کنند. دادگستری عده ای پلیس جهت متفرق کردن روستائیان به محل دادگستری فرامی‌خواند، اما مقاومت روستائیان باعث می‌شود که پلیس کاری از پیش نبرد. روستائیان همانجا اعلام می‌دارند که تا اخراج فئودال از دادگستری به تحصن خود ادامه داده و در صورت حکم دادگاه نیز زمینهایشان را به فئودال غاصب پس نخواهند داد. پس از مدتی که وکیل فئودال می‌خواست از در عقب دادگستری خارج شود، با شناسایی روستائیان مورد حمله قرار گرفت و روستائیان با گرفتن بیرونده‌ها از دست وی، آنها را پاره کرده و پدور انداختند. در پی این حرکت روستائیان، دادگستری تعداد بیشتری پلیس به محوطه آورد و آنها با باطوم و چوب دستی به روستائیان بیورش آورده و آنها را متفرق ساختند.

● در اواخر فروردین ماه مزدوران رژیم بمنظور سر باز تیری به یکی از روستاهای اطراف بابل بنام "سیاکلا" بیورش آوردند. جوانان روستایی با فرار از روستا، مزدوران رژیم را ناکام گذاشتند. پاسداران برای انتقامجویی از جوانان روستا، پدر یکی از

مشولان را گروگان گرفتند تا سرپاژان فراری خود را تسلیم کنند. مقاومت این پدر در مقابل پاسداران خشم حیوانی مزدوران را برانگیخت و یکی از پاسداران بروی او شلیک کرد. روستایی مزبور که به شدت مجروح شده بود، به بیمارستانی در بابل منتقل می‌شود. اهالی روستا به پاسداران بیورش برده و آنان را فراری می‌دهند. مجروح در بیمارستان درگذشت. اهالی سیاکلا چنانچه او را بر سر دست گرفته و در خیابانهای شهر پابل به راهپیمایی پرداختند. روستائیان "سیاکلا" در مراسم با شکوه تشییع جنازه روستایی مزبور، خشم و انزجار شدید خود را از رژیم جنگ افروز و مزدوران پلیدش ابراز داشتند.

● سال گذشته به حکم دادگاه جمهوری اسلامی زمینها و باغات روستای ریحان آباد گلکوه در بهشهر که بعد از انقلاب به تسلک روستائیان درآمده بود، به فئودالهای این منطقه واگذار شد. دادگاه حامی فئودالها، نه تنها تمامی زمینها را به فئودال بازگشت داده بود، بلکه سه نفر از روستائیان زحمتکش را به درخواست فئودال به چند ماه زندان محکوم کرده بود. چندی پیش، بعد از اجرای حکم دادگاه، اهالی روستا اقدام به گروگانگیری فرزند فئودال ریحان آباد نمودند. اهالی روستا اعلام نمودند که تنها با آزاد شدن ۳ کشاورز زحمتکش حاضرند، فرزند فئودال غاصب را آزاد کنند. خبر درگیری روستائیان ریحان آباد با فئودالها و جریان گروگانگیری فرزند فئودال بخاطر انعکاس وسیع آن در منطقه در بعضی از روزنامه‌های جمهوری اسلامی نیز منعکس شده است.

تحصن کارکنان کشت و صنعت کارون

از روز شنبه ۶ تیرماه ده هزار تن از کارکنان شرکت کشت و صنعت کارون واقع در بین دزفول و شوشتر، برای مقابله با برنامه‌های ضد کارگری رژیم دست به تحصن زدند. تحصن با اعتراض کارکنان به نحوه تقسیم سود اضافی شرکت آغاز شد. مدیریت به عده‌ای از کارکنان تنها معادل ۱۵ روز و به کارکنان حزب الهی و طرفدار رژیم معادل ۶۰ روز حقوق پاداش داده بود. بدنهال آغاز تحصن، دیگر مطالبات کارکنان نیز طرح گردید که عبارت بودند از:

— برکناری مدیریت

— تشکیل شوراهای کارگری

— حق ایاب و ذهاب

— برکناری و مجازات مدیرعامل فروشگاه شرکت

— پرداخت حق اولاد

— استخدام رسمی کارگران

— تحصن تا ا تیرماه ادامه یافت و از سرانجام آن هنوز اطلاعی در دست نیست. علاوه بر این کارکنان شرکت ایران گاز نیز در حال اعتراض پسر می‌برند. چند هزار کارگر این شرکت در اعتراض به فشارهای وارده از سوی مدیریت رژیم، علیرغم حضور منظم در محل شرکت، از کار کردن خودداری می‌کنند.

برگرفته از اطلاعاتی گروه منشعب از سازمان در سال ۶۰ (پیر و پهبانیه ۱۶ آذر)

اعتصاب در شرکت سینتا

* در روز ۱۹ خرداد کارکنان شرکت سینتا دست به اعتصاب زدند. اعتصاب در اعتراض به اهانت مدیر عامل نسبت به یکی از کارکنان صورت گرفت. علاوه بر این کارکنان از تصمیم مدیریت مبنی بر اخراج ۲۰۰ تا ۲۵۰ تن از کارکنان نیز به شدت خشمگین بودند.

* در اواسط خرداد ماه کارکنان کارخانه ایران تایر بطور یکپارچه دست به کم کاری زدند. این حرکت در اعتراض به تصمیم مدیریت مبنی بر افزودن بر ساعات کار بدون افزایش حقوق، صورت گرفت. اعتراض کارکنان و کم کاری آنان، مدیریت را به عقب نشینی واداشت.

برگرفته از نشریه اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج کشور

اعتصاب کارگران گروه صنعتی ملی

در روزهای ۹ و ۱۰ خرداد ماه ۱۲ هزار کارگر گروه صنعتی ملی (شامل شرکت تامد، شرکت آزاده، کفش فارس و...) دست از کار کشیدند و با برپائی تظاهرات در محوطه کارخانه و اطراف آن، رزمجویانه خواسته‌های برخی خود را مطالبه کردند. اعتصاب با اعلام تغییراتی در ساعات کار روزانه کارگران از سوی کارفرما، آغاز شد. در فروردین ماه کارفرما ساعت کار روزانه را یک ساعت افزایش داد. در روز ۷ خرداد مدیریت اعلام داشت که از نهم خرداد بازم بر ساعت کار روزانه افزوده می‌شود و ساعت کار از ۶ صبح تا ۴ بعد از ظهر خواهد بود. کارگران با هو کردن پاسخ این اطلاعیه را دادند و رژیم اعتصاب در میان کارگران پیچید. کوشش‌های مدیریت برای فریب کارگران و ایجاد شکاف در میان آنان نتیجه ای به بار نیاورد. در همین روز (نهم خرداد) کارکنان شرکت شاد، غذای کارخانه را تحریم کردند و سپس برخلاف دستور مدیریت در ساعت ۲/۵ بعد از ظهر دست از کار کشیدند. آنان در صفوف منظم از محل شرکت خارج شده و با دادن شعار اقدام به تظاهرات کردند. ابتدا کارکنان شرکت آزاده و کفش فارس و سپس تمامی کارکنان گروه صنعتی ملی بدانان ملحق شدند. ۱۲۰۰۰ کارگر تظاهرکننده پس از تظاهرات در محوطه کارخانه، در برابر ساختمان اداری، گرد آمدند و خواسته‌هایشان را مطالبه نمودند.

در روز بعد (۱۰ خرداد) مسئولین تلاشهای بی نتیجه ای را برای بازداشتن کارکنان از پیگیری مبارزه‌شان انجام دادند. کارکنان به روال روز گذشته نخست غذای کارخانه را تحریم کردند و پس از برپائی تظاهرات در محوطه کارخانه در ساعت ۲/۵ بعد از ظهر، به بیرون کارخانه آمده و جاده قدیم کرچ را با آتش زدن یک لاستیک بزرگ مسدود ساختند و به کار توضیحی در میان مسافری و رانندگان پرداختند. پس از یک ربع ساعت آنان جاده را باز کرده و به اتومبیلها اجازه آمد و رفت دادند. کارکنان پس از این حرکت باردیگر به محوطه کارخانه آمدند. در این هنگام نماینده اداره کار در اجتماع کارکنان حاضر شد و پس از مذاکرات پدیدرفت که ساعت کار از ۶ صبح تا ۲/۵ بعد از ظهر (بدون ناهار) باشد و پنج شبه‌ها هم کار تعطیل شود.

کارکنان در این حرکت اعتراضی دیگر خواسته‌های خود را نیز طرح کردند. برگرفته از نشریه راه کارگر شماره ۲۹

سیستان و بلوچستان

(بخش آخر)

زندگی در فراسوی فقر

زیر تازیانه پیداد جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی نسبت به این استان، بویژه بلوچستان حساسیت فوق العاده ای دارد. سرمداران رژیم می‌کوشند فقدان پایگاه اجتماعی خود در میان توده‌ها را با ایجاد پایگاه‌ها و قرارگاه‌های نظامی در منطقه جبران کنند. رژیم خود آگاه است که چه رنج گرانباری برای زحمتکشان بلوچ به ارمغان آورده است. علاوه بر فقر و تنگدستی مملکت، اعتیاد، بیسوادی، دزدی و قاچاق، اختناق و اعزام به جبهه دیگر دردهایی هستند که بر جان رنجور بلوچستان چنگ انداخته‌اند.

اعتیاد کارگزاران رژیم در منطقه، خود، بلوچستان را "بهشت معتادان" می‌نامند. اعتیاد در هر خانه و کوچه و مدرسه‌ای سرک می‌کشد. در گسترش این بلا هستی‌سوز که از بیکاری و فشارهای روانی نیرو

می‌گیرد، رژیم خود سهم بسزایی دارد. خان‌ها و قاچاقچیانی که با ولایت فقیه "بیعت" کرده‌اند، برای پر کردن جیب خود و عوامل حکومتی شیره جان پیرو جوان را می‌مکند.

بیسوادگی و سطح بیسوادی در استان سیستان و بلوچستان از همه استانهای کشور پایین‌تر است. در سیستان ۹۰ درصد کودکان روستایی بی‌سوادند. نموداری که در روزنامه رسالت مورخ ۹ بهمن ۶۵ به چاپ رسیده، بیان آشکار این واقعیت است. رژیم نه تنها گام موثری در رفع بیسوادی استان برنداشته است، بلکه همان هزینه اندکی را هم که ظاهراً به این امر اختصاص یافته به عناوین مختلف، منجمله کمک به جبهه، بازیس می‌گیرد. برای مثال سرپرست نهضت سوادآموزی شهرستان سراوان در اردیبهشت ماه سال جاری، اظهار داشت که در سال گذشته این نهاد علاوه بر



راه و ترابری استان اخراج شدند. بر همه این دردها، فساد و رشوه‌خواری، دزدی و قاچاق مواد مخدر و کالا را باید افزود. مسئولین سپاه پاسپنج و دیگر نهادهای نظامی و غیر نظامی رژیم در بلوچستان، خوان بیعی کسرتده‌ای در اختیار دارند. از جمله در اسفندماه سال ۶۵، فرمانده سپاه راسک به قاچاق سیم‌های مس با همکاری یک پاکستانی پرداخت. مجموعه عوامل یاد شده نفرت سوزان مردم را علیه جمهوری اسلامی برانگیخته است. در زیر آفتاب سوزان سیستان و بلوچستان، تراره خشم خلق بر لیبب تر از همیشه زبانه می‌کشد.

اروپا*

در جایی دیگر زندگی می‌کنند که مرگ را در آن راهی نیست.

بهبوش باشید که آنان در وجود مردان جوان دیگری حلول کرده‌اند. آنان در وجود برادرانی می‌زند که هم‌اکنون شما را به مبارزه می‌طلبند. مرگ، آنان را بیشتر تطهیر کرده و روحشان را متعالی‌تر ساخته است.

بر پشت آن زمین، که خون شهید آزادی ریخته می‌شود بدر آزادی خواهد رست، کسه به نوبه خود به گل و بذرهای دیگر خواهد نشست، و باد آن بذرهارا با خود به دور دست‌ها خواهد برد و از نو بر پشت زمین خواهد افشاند، و برف و باران آنرا سیراب خواهد کرد.

روح جدا شده‌ی آزاد، نه تنها سلاح از کف ارباب ظلم می‌ستاند. بل، بصورتی نامرئی، پهنه زمین را در خواهد نوردید، و آگاهانه با همه، به خلوت خواهد نشست...

ای آزادی، بگذار دیگران از تو دل بر کنند، من از تو هرگز دل بر نخواهم کند. اگر درها بسته است!

اگر خداوند خانه در خانه نیست! با این همه،

از چشم‌انتظاری خسته نشوید او بزودی باز خواهد گشت پیام‌آورانش هم‌اکنون در راهند.

* اشاره به سال‌های ۴۹-۱۸۴۸ انقلاب اروپا

... ای آنهمه امید و ایمان!
ای آنهمه میهن‌پرستان تبعیدی با پایان درد آلود!
ای آنهمه قلب‌های جریحه‌دار!
بدین روزها باز گردید و خود را باز یابید...

مسئله در شدت جاه‌طلبی‌ها و حدت مصیبت‌ها و کثرت قتل‌ها و جنایت‌ها نیست،

مسئله در بیرون کشیدن ناچوانمردانه مزد اندک فقر است... و وعده‌های فراوانی که با پشتوانه سوگند، داده شد و به خیره‌سری شکسته شد...

هریک از، سرمداران، آمدند، با خیل ملتزمین خود: جلدان، کشیش‌ها، خسراج‌گذاران، باج‌ستانان، اشراف‌زادگان، و خیل چابک‌پوسان و مفت‌خواران و بادمجان دورقاب‌چینان، و زندانبانان... و هر یک سلاحی در آستین، نهان...

در این رهگذر، اجساد در گورهای تازه انباشته می‌گردند - اجساد غرقه در خون مردان جوان.

طناب‌ها در چوبه‌دارها، سنگینی می‌کنند، و تیرهای بیشتری رها می‌گردند و مخلوقات صاحب قدرت به صدای بلند می‌خندند، و همه اینها، ثمر و میوه خواهد داد...

آن اجساد مردان جوان،

آن شهیدانی که از چوبه‌دار خلق آویزند،

آن قلب‌هایی که با سرب مذاب سوراخ سوراخ شده‌اند،

با اینکه، سرد و بیروح برجای مانده‌اند،

بحران ارزی، تنگناها و پی آمدها

بقیه از صفحه اول

صرف نظر نمائیم و به منظور سهولت در برآورد حتی تاثیرات غیر قابل انکار درآمد ارزی نفتی را بر همین چند درصد درآمد ارزی ناشی از صادرات غیر نفتی رانیز در نظر نگیریم، بدور از هرگونه شک و شبهه ای میتوان اظهار داشت که درآمد ارزی رژیم، درآمدی نفتی است، درآمدی ناشی از صدور و فروش نفت است. اقتصاد تک محصولی و یک پایه، اقتصادی ویژه است و ویژگی آن، وابستگی تام و تمام - مستقیم و غیر مستقیم - همه فعل و انفعالات اقتصادی در عرصه عملکرد داخلی و یا ابعاد داد و ستدهای جهانی، به درآمد ناشی از آن کالای محوری بوده و این کالای محوری در اقتصاد وابسته بیمار ایران، نفت است. وابستگی اقتصاد کشور به نفت و دلار ناشی از صدور و فروش آن در سالهای اخیر بگونه ای شتابان افزایش یافته است. سهم درآمد نفتی در کل درآمد ارزی کشور در سال ۱۳۴۰، معادل ۵۴ درصد بود و این سهم در سالهای اخیر بگونه ای شتابان افزایش یافته است. سهم درآمد نفتی در کل درآمد ارزی کشور در سال ۱۳۴۰، معادل ۵۴ درصد بود و این سهم در سالهای اخیر بالغ بر ۹۵ درصد گردید. بافت اقتصادی کشور چون لرزانی بر درآمدهای نفتی استوار شده است و از اینرو بحران در پایه پلادرتک بر کل پیکر مستولی می گردد.

بحران ارزی حاکم بر اقتصاد کشور حاد است. علل پیدایش آن، سه رکن جدا از هم می باشد. این سه رکن کدامند؟ اول آنکه بهای نفت - این منبع اصلی درآمد ارزی و عمومی کشور - در بازارهای جهانی کاهش یافته است، دوم بدان خاطر که توان صادرات نفتی رژیم بشدت نقصان یافته است و سوم بدان جهت که دلار ناشی از صدور و فروش نفت کشور بنا به سیاستهای پولی و بانکی انحصارات امپریالیستی از ارزش پیشین خود ساقط شده است. بحران حاد ارزی کنونی کشور محصول و مولود تاثیرات درهم تنیده این سه عامل می باشد.

سه عامل موثر در بحران ارزی

یکی از اصلی ترین عوامل بحران زای اقتصاد کشور در لحظه کنونی، کاهش بهای نفت در سالهای

اخیر محسوب می شود. از نشست وزرای نفت کشورهای عضو اوپک در مارس سال ۸۲ که منجر به کاهش بهای نفت به میزان ۵ دلار در هر بشکه گردید - از ۲۴ دلار به ۲۹ دلار - تا دسامبر سال ۸۶، بهای نفت بدون در نظر گرفتن نوسانات مقطعی، بگونه ای مداوم کاهش یافت. کاهش بهای نفت در تاپستان سال گذشته به اوج خود رسید. بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین رژیم در همان زمان اعتراف کرد که رژیم، نفت صادراتی خود را زیر ۶ دلار معامله می کند. بافت لرزانی اقتصاد کشور که به جنبش افتاد، دیری نپایید که همه فعل و انفعالات اقتصادی کشور بویژه عرصه تولید را زیر تاثیر مخرب خود گرفت. گرچه بهای نفت در اثر کارگرفت سیاست تجدید عرضه این کالا از سوی اوپک در اجلاس دسامبر ۸۶ - و همچنین در کردمایی اخیر این سازمان - افزایش یافت و به حد ۱۸ دلار بازای هر بشکه رسید، ولی این افزایش بهای نفت نیز نتوانست بحران ارزی رژیم را بطور جدی تخفیف دهد. رژیم خمینی هرگز نتوانست بابت صدور هر بشکه نفت ۱۸ دلار ارزش تحصیل نماید، چرا که برای رژیم با احتساب نرخهای کلان بیمه کشتیرانی در آبهای خلیج و در نظر گرفتن هزینه انتقال نفت به "مبادی امن صادراتی" بسیار کمتر از ۱۸ دلار می باشد. نشریه انگلیسی "میدل ایست اکونومیک دایجست" نیز طی گزارشی درباره میزان نفت صادراتی ایران به این امر اشاره کرده است. از جانب دیگر رژیم بدنحال بمبارانهای مکرر پالایشگاههای کشور، ناگزیر سالانه وجه قابل ملاحظه ای از درآمد ارزی نفتی خود را صرف واردات فرآورده های نفتی مورد نیاز داخل کشور میکند. رژیم در بودجه سال ۶۶، مبلغ ۸۷۶ میلیارد ریال را بعنوان درآمد نفتی منظور کرده است. گرچه خود مسئولین رژیم نیز نسبت به تحصیل این میزان درآمد نفتی ابراز شک و تردید کرده اند ولی حتی با فرض تحصیل این میزان درآمد ارزی، رژیم با کسری جدی درآمد ارزی مواجه خواهد بود. این میزان درآمد ارزی ناشی از صدور نفت قریب به ۹ میلیارد دلار کمتر از میزان حداقل ارز مورد نیاز رژیم ۱۲ میلیارد دلار کمتر از واردات بی سابقه ۲۲ میلیارد دلاری

سال ۶۲ می باشد.

بموازات کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی این کالا، توان صادرات نفتی رژیم نیز در اثر بمبارانهای مکرر تأسیسات نفتی کشور توسط عراق کاهش جدی یافت. جمهوری اسلامی می گوید تا بادت زدن به تبلیغات وسیع چنین وانمود سازد که در حد سهمیه خود، نفت صادر می کند. اما همه گزارشهای بین المللی امور نفتی بر آن دلالت دارند که جمهوری اسلامی در سال جاری نیز پسان سال گذشته هرگز قادر نشده است هم تراز با سهمیه خود نفت صادر نماید.

همراه با این دو وجه بحران زای، کاهش نرخ برابری دلار در مقابل سایر ارزهای قوی جهانی نیز بعنوان عامل مشدد بحران، ایفای نقش کرده است. بعلت نوع بستگی معاملات نفتی به دلار، درآمد ارزی رژیم عملاً به دلار تحصیل شده، حال آنکه عمده واردات رژیم از کشورهای آلمان فدرال، ژاپن و... صورت می گیرد. کاهش نرخ برابری دلار در برابر سایر ارزهای قوی، این تاثیر را دارد که درآمد ارزی رژیم قدرت خرید سابق را از کف داده است.

کسری درآمد ارزی

وسپاستهای رژیم

کسری درآمد ارزی به لحاظ اقتصادی بدین معناست که درآمد ارزی حاصله - واقعی - کفایت نیازهای ارزی را نمی دهد. تجربه سال ۶۲ نشان داد که رژیم حتی با واردات ۲۲ میلیارد دلاری خود قادر نگردید تمام نیازهای کشور را برآورده سازد. از سال ۶۲ بدین سو، رژیم همه ساله با کسری درآمد ارزی مواجه بوده است. این کسری در سال گذشته به اوج خود رسید و کل درآمد ارزی رژیم در این سال از ۵ میلیارد دلار فراتر نرفت. رژیم خمینی، ناگزیر سیاست صرفه جویی اکید ارزی را پیشه نمود ولی پرواض است که این سیاست هرگز حیل به جنگ را در بر ننگرفت. تنگناهای ارزی رژیم زمانی قابل درک است که دریافته شود دولت عراق با استفاده و بهره گرفتن از خاک ترکیه و عربستان سعودی در دو سال گذشته بگونه ای مداوم بر صادرات نفتی خود افزوده است و حتی مصوبه اجلاس دسامبر ۸۶ و اجلاس اخیر

اوپک رانیز برسمیت شناخته است و در شرایط کنونی پس فراتر از سهمیه مجاز خود، نفت صادر می کند. فشارهای ارزی به اتخاذ سیاست صرفه جویی اکید توسط رژیم جمهوری اسلامی منجر شد. بودجه ارزی وزارتخانه های بازرگانی، صنایع و صنایع سنگین بشدت کاهش یافت. بودجه ارزی وزارت صنایع در سال ۶۵ به یک ششم ارز مورد نیاز این وزارتخانه تقلیل یافت و ارز تخصیص یافته به وزارت صنایع سنگین در همین سال به یک دهم ارز مورد نیاز آن محدود شد. "صنایع ارزبر" تعطیل شدند و رژیم سیاست معامله بر اساس "یوزانس" و "بای پک" را در مورد صنایع و واحدهای داخلی بکار گرفت. معامله بر اساس روش "یوزانس" در واقع اخذ وام غیر رسمی است. این روش بدین گونه است که رژیم بطور نسبه مواد خام، لوازم یدکی و افزارهای تولیدی را از کشورهای دیگر وارد کرده و پول - ارز - آنرا پس از مدتی، که در قرارداد منظور می شود، پرداخت می نماید. روش "بای پک" نیز بدین گونه است که کشور ثانی با صدور ابرار تولید و مواد خام، کالاهای تولید شده در ایران را تصاحب کرده و در بازار کشور خود و یا کشور ثالث به فروش می رساند. طبق گزارشهای منتشر شده از سوی کاشناسان بین المللی مسائل اقتصادی و مالی، سر رسید پرداخت این معاملات نسبه - یوزانس - اخیراً فرا رسیده و رژیم در پرداخت این وجوه با دشواریهای جدی مواجه است. بنابراین سر رسید پرداخت معاملات یوزانس نیز بر کسری ارزی رژیم میتواند تاثیرات جدی بر جای نهد.

دادگاه لاهه

و بحران ارزی رژیم

روزنامه زودودویچه تسایوتونگ در تاریخ ۱۱ ژوئیه به نقل از خبرگزاری آلمان (فدرال) اعلام کرد که طبق حکم دادگاه لاهه، جمهوری اسلامی در هفته گذشته محکوم به پرداخت ۱۰۰ میلیون دلار به شرکت نفتی آمریکایی "سدکو" گشته است. شرکت نفتی آمریکایی "سدکو" وابسته به گروه "شلمبرگر" در شرایطی موفق به اخذ غرامت می گردد که پرونده های چند شرکت نفتی دیگر آمریکایی نیز هم اینک در دادگاه لاهه مورد رسیدگی است. طبق گزارش نشریه "ایرانیین آستز" لیتیکیشن رپورتر" در تاریخ ۸۷/۲/۲۷، خواسته برخی از این

بحران در روند

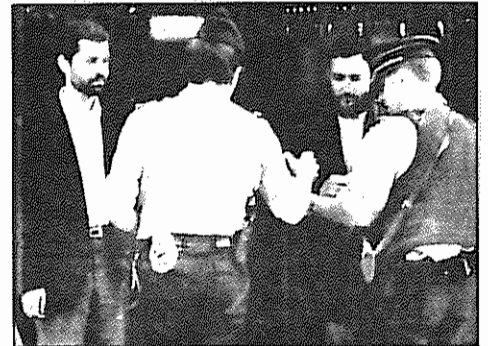
بقیه از صفحه آخر

می نویسد، "قاضی ... از ماجرا سر در نمی آورد از ماه قبل به این طرف قسم یاد می شود که تنها سرخ همب گذاری های سال ۱۹۸۶ یک ایرانی است. و اینکه رئیس همب گذاران از ایران دستور می گیرد. اما هنگامیکه یک قاضی تصمیم می گیرد تا این ایرانی را (حتی بعنوان یک شاهد ساده) مورد بازجویی قرار دهد وی قرارداد می شود. سازماندهی فرار بدون شک توسط سرویس های فرانسوی صورت گرفته است. این امر شگفتی می آفریند و یا منطق منافع دولتی را می نمایاند؟"

همین هفته نامه در ادامه مقاله خود این "منطق" را تشریح می کند، "...بخاطر نقش وحیدگرچی، تحقیقات قضات رفته رفته بطور جدی وزارت امور خارجه (فرانسه) را متراکم می سازد. از یکسال پیش، این

شخص ... در مذاکرات ایران و فرانسه یک کلید و یک مهره است ... او کارمند ساده بوده و رده دیپلماتیک ندارد. معذالک، مخاطبین وی در وزارت امور خارجه فرانسه وحیدگرچی را به عنوان شخص درجه اول "غیررسمی" سفارت ایران بحساب می آورند. ... وی در ۲۱ ماه به به همراه علی رضا معیری به کاخ نشست وزیری به نزد ژانک شیراک رفت و بعلاوه پدر وحید پزشک سابق خمینی و بیویزه تاجری است که از ۱۰ سال پیش در باریس زندگی می کند در مبادلات تجاری میان فرانسه و ایران تخصص داشته و از جانب بانکداران فرانسوی بسیار مورد توجه است. در وزارت امور خارجه (فرانسه) می گویند، "چگونه ممکن است که این شخص رئیس آدمکش های خیابان ران باشد؟"

پیرامون موقعیت گرچی، سختگوی نخست وزیر فرانسه گفت که گرچی مسئول اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی در اروپا بوده است •



پلیس فرانسه در حین بازرسی مراجعین سفارت ایران در پاریس

کمک های مالی رسیده

از سوئد	۲۶۰۰ ریال
از سوئد رفقای کریلنو	۲۰۰ کرون
کمک به خانواده زندانیان سیاسی	۸۲۰ کرون
یادگار از سوئد	۸۰ کرون
از سوئد	۱۰۰ کرون
از مالمو-سوئد	۲۰۵ کرون
سان وکیل	۲۰۰ کرون
افسانه حسینی	۱۰۰ کرون
از سوئد	۱۰۰ کرون
بیزن-امئوسوئد	یک سکه طلا
بیزن-سامئوسوئد	۱۰۰۰ ریال
از فرانسه جهانگیر	۸۵۰ فرانک
به یاد تاهان ومیعی	۱۶۵۰ "
نسترن	۸۵۰ "
مرضی	۱۱۴۰ "
یک ایرانی-آلمان	۵۰ ماری
از آلمان	یک سکه طلا
مهدی از فلهرت آلمان	۱۰ ماری
کمک مالی به زندانیان سیاسی از کیل-آلمان	۵۰۰ ماری
ف از کیل-آلمان فدرال	۱۰۰ ماری
از طرف بچه های ایتالیایی	۲۰ ماری
مسعود از زاربروک	نیم سکه طلا
جهانگیر از مونیخ-آلمان	۲۰ ماری
رفقا از شهر مونیخ	۱۶۸ ماری
رفقای بورگاشو-آلمان	۴۰ ماری
به خاطر نامزدی رفقای فدایی در بیلفلد	۱۸۲ ماری
هدیه به جشن از بیلفلد	۱۶ پیراهن
از هلند تلاش جمعی از رفقا به یاد فداییان اسپر	۲۲۴۸ کیلندر
ایوا از شیکاگو-آمریکا	۵۰ دلار
کمک به جنبش کمونیستی ایران از ژاپن	۱۰۰۰ یین
ج ۱۱۸ از آلمان فدرال	۲۹ ماری
س ۱۰ از هلند	۱۵ کیلندر
برای جنبش کمونیستی-ژاپن	۱۰۰۰ یین

سرمایه گذاری کند، آیا تا به حال مذاکره ای صورت پذیرفته است؟" و سفیر رژیم خمینی در ژاپن صریحاً پاسخ می دهد، "مطمئناً ژاپن نقش بسیار عظیمی می تواند داشته باشد. ما زمینه های جذب فعالیت های اقتصادی را فراوان تر از سایر کشورها داریم. هرچه اقتصاد پیشرفته تر باشد، زمینه جذب سرمایه ها بیشتر می شود. در نتیجه مطمئناً می توانیم در زمینه بازسازی از ژاپن استفاده کنیم. البته همواره سیاست ایران این بوده به در درختی که می خواهد پس از جنگ میوه بدهد، اکنون باید کاشته شود و اگر اکنون کاشته شود مطمئناً آن موقع هم درخت است و هم میوه خواهد داد. آنها توافق و علاقه خود را اعلام کرده اند اما ما باید برنامه های بیشتری را در این زمینه طراحی کنیم و در این زمینه تصمیم گیری به عمل آوریم." •

مسائل مطروحه به وضوح نشان می دهند که وام های خارجی پنهان - مانند خرید بوزانس که خود نوعی اخذ غیر آشکار وام خارجی است - ویاتوسل به شیوه های "های بک" از این پس نخواهند توانست نیازهای ارزی جمهوری اسلامی را برآورده سازند و رژیم در ماه های آتی بیش از پیش به اخذ وام رسمی خارجی چشم خواهد دوخت.

هفته نامه دولتی کیهان هوایی در تاریخ ۱۷ تیرماه ۶۶ در مصاحبه ای با حسین عادل سفیر جدید رژیم در ژاپن مسئله اخذ وام از ژاپن را در قالب جذب سرمایه ژاپن به کشور مطرح می کند. خبرنگار کیهان هوایی از سفیر رژیم در ژاپن پرسیده بود، "چندی پیش آقای رفسنجانی اظهار امیدواری کرده بودند که ژاپن بتواند در قسمتی از بازسازی خرابی های ایران پس از جنگ،

اینجاست که بنا به گزارش های نشریه "ایرانیون آستز لیتیکیشن رپورتر" پیش بینی می شود که تا پایان سال ۸۷، احکام بزرگی از نظر خواسته از سوی دادگاه لاهه علیه جمهوری اسلامی صادر شود. در این صورت جمهوری اسلامی برای نخستین بار در تاریخ عملکرد بیانییه الجزایر با این مسئله مواجه خواهد شد که برای تامین مهالغ احکام صادره، علاوه بر مهالغ سپرده (۱ میلیارد دلاری اولیه، سپرده یا سپرده های جدیدی از منابع ارزی بانک مرکزی را به حساب دادگاه لاهه در هلند منتقل کند. با توجه به بحران ارزی رژیم که ناشی از کاهش صدور بهای نفت می باشد، هرگونه اختصاص سپرده های جدید به دادگاه لاهه، برای رژیم فوق العاده دشوار و کمر شکن خواهد بود و به بحران ارزی حاکم ابعاد ویژه ای خواهد بخشید.

شرکتهای نفتی آمریکایی بالغ بر چند صد میلیون دلار می باشد. تنها دو پرونده که امر رسیدگی به آنها ممتنع است در دادگاه لاهه در جریان است متعلق به دو شرکت "فیلپز پترولیوم کمپانی ایران" و "آموکو ایران اویل" می باشد. تنها خواسته پرونده شرکت نفتی "آموکو" (۱ میلیارد دلار اعلام شده است.

همانگونه که پیش از این نیز در این خصوص خاطر نشان شده است، جمهوری اسلامی طبق بیانییه الجزایر، مهالغ ۱ میلیارد دلار بعنوان سپرده در نزد دادگاه لاهه قرار داده و موظف شده است که هرگاه موجودی این حساب ۱ میلیارد دلاری کاهش یافت و به زیر ۵۰۰ میلیون دلار رسید، مجدداً آنرا ترمیم نماید. تاکنون جمهوری اسلامی چهار بار این سپرده را ترمیم کرده است. ولی موضوع اصلی

در فیلیپین چه می‌گذرد؟

ناراضیاتی کردند. به تعبیر آنها، دو غده سرطان فساد و فقدان روحیه جنگی، مانع موفقیت نیروهای مسلح فیلیپین در مقابله با "ارتش نوین خلق" بود. پنتاکون برای "اصلاح" ارتش فیلیپین در جهت اهداف خود، از سال ۱۹۸۲، ژنرال فیدل راموس را که در آکادمی نظامی ارتش آمریکا تحصیل کرده است، مورد حمایت قرار داد. راموس به پرچمدار به اصطلاح "شرافت سربازی" در برابر نظامیان سرسپرده مارکوس تبدیل شد. در جریان شورش راموس علیه کاخ "مالاکانیان" در فوریه ۱۹۸۶، سیستم مخابراتی سفارت آمریکا و پایگاههای نظامی ایالات متحده در فیلیپین در اختیار ژنرال راموس و متحد آن روزش، انریله وزیر دفاع قرار گرفت.

راموس از هنگام روی کار آمدن آکینو تاکنون سه بار نقش تعیین کننده ای در خنثی کردن تلاش برخی نظامیان برای برکناری رئیس جمهور ایفا کرده است. یک بار هنگام تلاش طرفداران مارکوس به رهبری آرتورو تولنتینو (کاندید معاونت ریاست جمهوری از سوی دیکتاتور پیشین) به منظور بدست گرفتن قدرت، بار دیگر هنگام کودتای نافرجام انریله وزیر دفاع وقت در نوامبر ۱۹۸۶، و بالاخره در جریان آخرین کودتا در ژانویه ۱۹۸۷ راموس با جانبداری از آکینو و جلوگیری از این سه کودتا، موفقیت خود را بیش از پیش تحکیم کرد. از سوی دیگر، برنامه کودتاچیان و به ویژه انریله، به سیاست رسمی دولت تبدیل شد؛ وزیر امور و به دمکرات و لیبرال برکنار شدند و به "ارتش نوین خلق" برای برقراری آتش بس و خلع سلاح آن اتمام حجت کردید.

انریله از مروتی تعقیب جزایی مصون ماند و رهبری پلامنازج اپوزیسیون راست آکینو را عهده دار گردید. وجه مشخصه همه "توطئه‌های کودتا" از راست، این بود که اولاً از پیش حتی طراحان آنها نیز عدم موفقیت این تلاشها را برنامه‌ریزی کرده بودند و ثانیاً هر بار، گردانندگان کودتا با دولت آکینو سازش کردند.

رافائل ابلتو، وزیر دفاع جدید که پس از انریله به این سمت منصوب شد، در ارتش آمریکا آموزشهای ویژه "ضد شورش" دیده و در لاشوس، ویتنام و چند کشور خارجی دیگر نیز "تجربه" اندوخته است. وی "متخصص" مقابله با جنبش‌های چریکی است.

ارتش فیلیپین هم اکنون در

مجمع ۵۰ نفری منصوب آکینو، کار تدوین طرح قانون اساسی جدید کشور را آغاز کرد. در روز دوم فوریه ۱۹۸۷، اکثریت رای دهندگان فیلیپینی به قانون اساسی مصوب این مجمع و نیز تمدید دوره ریاست جمهوری آکینو تا سال ۱۹۹۲، رای دادند. در این قانون، خواست دهقانان مبنی بر انجام اصلاحات ارضی نادیده گرفته شده و حفظ پایگاههای نظامی آمریکا تصریح گردیده است. طبق این قانون، برای نظام "دمکراسی" فیلیپین یک الگوی آمریکایی شامل رئیس جمهور، سنا و مجلس نمایندگان پیش بینی شده که در حقیقت، احیای قانون اساسی ۱۹۳۵ است.

در ماه مه سال ۱۹۸۷، طبق قانون اساسی جدید، انتخابات دو مجلس فیلیپین برگزار شد. طرفداران آکینو رئیس جمهور توانستند در هر دو مجلس اکثریت نیرومندی از کرسی‌ها را به خود اختصاص دهند.

نقش ارتش

در واپسین سالهای حکومت مارکوس، نمایندگان دولت آمریکا بارها از عدم کارایی ارتش فیلیپین در سرکوب جنبش چریکی ابراز

وجه مشترک این طیف بسیار نامهمگون از نیروها، مطالبه حذف مارکوس از صحنه سیاسی بود. اما این تحول حتی از لحاظ سیاسی نیز نمی‌توانست پاسخگوی خواستهای سراسر این طیف باشد.

قدرت سیاسی پس از رویدادهای فوریه ۱۹۸۶، بدون شرکت نمایندگان کارگران، دهقانان و اقلیت‌های ملی شکل گرفت. ائتلاف حاکم را نمایندگان اپوزیسیون بورژوازی رژیم مارکوس از یک سو، و از سوی دیگر نظامیان و تکنوکراتهایی که در آخرین لحظات، جانب مارکوس را رها کرده بودند، تشکیل دادند. خوان بونسه انریله وزیر دفاع و فیدل راموس فرمانده ارتش مارکوس که با تغییر موضع خود، آکینو را بر مسند قدرت نشانند، در ادامه حکومت مارکوس، مانعی تاکتیکی بر سر راه نابودی جنبش چریکی و احزاب و سازمانهای علنی چپ می‌دیدند.

در کابینه آکینو، برخی پست‌های غیر کلیدی به شخصیت‌های بورژوا-دمکراتی نظیر آگوستو سانچز وزیر کار سپرده شد. اما مدت زیادی نگذشته بود که سانچز جای خود را به فرانک دریلون، رئیس پیشین اتحادیه کارفرمایان فیلیپین داد! در تابستان سال گذشته، یک

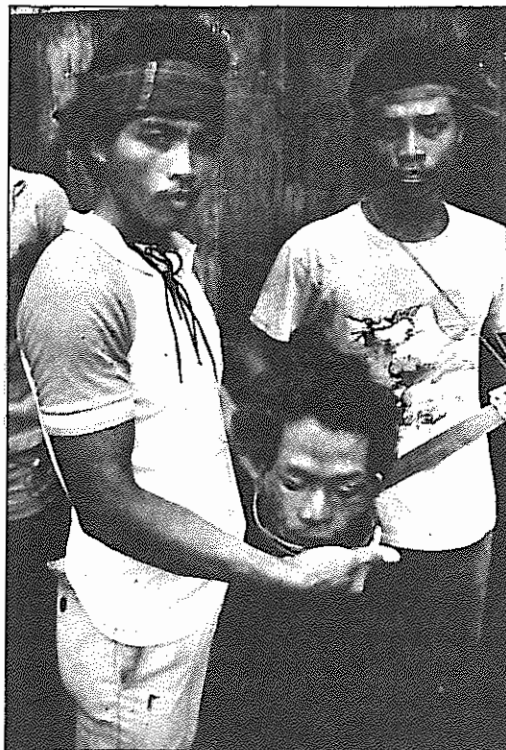
نزدیک به یک سال و نیم از سرکنونی رژیم مارکوس در فیلیپین می‌گذرد. کورازون آکینو، نماینده ائتلاف گسترده‌ای از نیروهای بورژوازی و زمینداران بزرگ، پس از پیروزی جنبش عظیم ضد دیکتاتوری مردم فیلیپین، توانست به مقام ریاست جمهوری دست یابد. امپریالیسم آمریکا، که برای حفظ مواضع و به ویژه پایگاههای خود، سالها از دیکتاتوری مارکوس پشتیبانی کرده بود، اکنون برای مقابله با جنبش انقلابی فیلیپین تحت رهبری کمیونیستهای این کشور، به رژیم آکینو امید بسته است. "الگوی فیلیپین" برای طراحان استراتژی امپریالیسم از آن حیث حائز اهمیت است که واکنش، آن را آزمایشی می‌داند که در صورت موفقیت، می‌تواند در کشورهای نظیر کره جنوبی-وشاید در برخی کشورهای آمریکای لاتین مانند نیلی - تکرار شود.

اما فیلیپین آرام نگرفته است. آکینو هنوز با دشواریهای بزرگی روبرو است. انقلابیون، به ویژه جنبش چریکی، مبارزه خود علیه رژیم را شدت بخشیده‌اند. ارتش دولتی، علیرغم از سرگیری جنایات خود، متقابلاً بر اثر عملیات "ارتش نوین خلق" منحل ضربات زیادی می‌شود. نفوذ حزب مردم ("بایان")، حزب علنی اپوزیسیون چپ، گسترده است. سرنشت آینده فیلیپین را بیکاری سخت رقم خواهد زد. موفقیت کنونی در این بیکار، چگونه است؟

"قدرت خلق" با حکومت

سرمايه داران و مللکان بزرگ

مشاوران آکینو در جریان مبارزه انتخاباتی وی علیه مارکوس، شعار "قدرت خلق" را با زیرکی بعنوان شعار اصلی انتخاب کردند. این شعار، در مبارزه ضد دیکتاتوری، بیانگر خواستها و تمایلات گسترده‌ترین طبقات و افشار گردید. "قدرت خلق" مورد نظر آکینو، شامل همه آنهايي بود که خارج از بخش فوقانی دستگاه حکومتی مارکوس قرار داشتند، مردم محروم شهر و روستا، افشار میانی شهری، کلیسای کاتولیک، آندسته از بزرگ مالکان و بورژواهای بزرگ که از لحاظ سیاسی و اقتصادی در رژیم مارکوس از سهم مطلوب خود محروم بودند، و حتی برخی ارکان مهم رژیم مارکوس مانند نظامیان "اصلاح طلب" و تکنوکراتها و بوروکراتهای "پیشرفته".



سرسپرده یک کمونست در دست چنانکارانی که مورد حمایت ستقیم ارتش هستند.

مبارزات پناهندگان ایرانی در سوئیس

فعالیت خود را به طور متشکل آغاز کردند.

بعد از ظهر روز ۱۲ خرداد، پناهندگان در "پادگان" که بارها علیه سو تغذیه اعتراض کرده بودند، از صرف غذا خودداری نمودند. این اقدام و گردهمایی پناهندگان برای مشاوره جهت پیشبرد حرکت اعتراضی خود، با واکنش توهین آمیز یکی از مسئولان اردوگاه روبرو شد. این امر خود به گسترش مبارزات پناهندگان انجامید. پلیس زوریخ برای درهم شکستن مقاومت ساکنان "پادگان" و اجرای حکم انتقال ۵ تن از آنان بعنوان رهبران اعتصاب، در روز جمعه ۱۵ خرداد محل را به محاصره خود در آورد و این ۵ نفر را به زور به اردوگاههای الحراف زوریخ برد.

برخی روزنامه‌های زوریخ به بازتاب دادن مبارزات پناهندگان پرداختند.

۵ نفر پناهنده که از "پادگان" اخراج شده‌اند، هم اکنون در منازل دوستان ایرانی و سوئیسی خود ساکنند و خطر اخراج آنها را تهدید می‌کند.

در هفته‌های اخیر مبارزات پناهندگان ایرانی در سوئیس علیه شرایط غیر انسانی زندگی و اقدامات سرکوبگرانه دولت این کشور، گسترش یافته است.

از اواخر سال گذشته میلادی، به علت افزایش شمار پناهندگان سیاسی، اردوهای خارج از شهر زوریخ دیگر کنجایش پذیرش پناهندگان جدید را ندارد. از این رو، مقامات در زوریخ تصمیم به اسکان پناهندگان در هتلها و ساختمانهای خالی و مخروبه گرفتند.

گروهی از پناهندگان، شامل بیش از ۱۰۰ نفر ایرانی و حدود ۲۰ تن از اتباع دیگر کشورها، در محلی که سابقاً پادگان بوده است، جا داده شدند.

سالنهای این پادگان توسط فیبرو نئوپان به سلولهای کوچکتر تقسیم شده که حکم "اتاق" را دارند. در این محل، امکانات کافی برای تهیه غذا وجود ندارد. شرایط زندگی در "پادگان"، بسیار دشوار است و به مسائل بهداشتی رسیدگی نمی‌شود.

پناهندگان از زمستان سال گذشته در اعتراض به این رفتار غیر انسانی،

حالا اعلام نموده که به شکل قانونی مبارزه سایر احزاب و سازمانهای چپ، احترام می‌گذارد. این احزاب و سازمانها، به ویژه در شهرهای بزرگ مانند مانیل فعال هستند و در انتخابات، شرکت کردند. بزرگترین آنها، حزب مردم (پایان) است که سال گذشته با اتحاد شمار وسیعی از سازمانها و گروههای چپ تشکیل شد.

خوزه ماریا سیسون، بنیانگذار سی.بی.بی. اکنون از رهبران حزب علنی "پایان" است. وی در مصاحبه‌ای با نشریه "آ.ای.ب." چاپ آلمان فدرال، تناسب نیروهای نظامی در فیلیپین را چنین تشریح کرده است: "ارتش نوین خلق، هسته‌ای متشکل از ۱۰ هزار مبارز مسلح به مسلسل دارد که در برابر ۴۰ هزار نفر واحدهای مشابه نیروهای مسلح فیلیپین که به ۸۵ گردان تقسیم شده‌اند، وزنه متقابل مناسبی تشکیل می‌دهند. ارتش نوین خلق قادر است علاوه بر این از پشتیبانی دهها هزار، دقیق تر بگوییم حداقل ۲۰ هزار چریکهای نیمه وقت دارای تجهیزات کم ارزش‌تر، برخوردار شود. نیروی رزمی ارتش نوین خلق با یک میلیاردی ۲۰۰ هزار نفره که مجهز به خنجر، نیزه و سایر انواع سلاحهای ابتدایی است، تکمیل می‌گردد.

واحدهای جنگی نیروهای مسلح، از سوی واحدهای عادی پشتیبانی، شامل ۱۲۰ هزار نفر، ۵۰ هزار پلیس و در حدود ۷۵ هزار کماندوی شبه نظامی، حمایت می‌گردند. ۱۰ میلیون فیلیپینی در ۶۹ جبهه چریکی واقع در ۶۲ استان از ۷۲ استان، ستون فقرات ارتش نوین خلق محسوب می‌شوند..."

وی شمار اعضای "حزب مردم" را که فعالیت قانونی دارد، بیش از نیم میلیون تن و تعداد اعضای سازمانهای توده‌ای این حزب را ۲ میلیون نفر برآورد کرده است. به گفته سیسون، هدف مرحله‌ای ارتش نوین خلق، دستیابی به "توازن استراتژیک"، یعنی تامین شرایط ادامه‌کاری انقلابی این ارتش برای پیشبرد مبارزه‌ای طولانی است.

خواستهایی که بخش علنی جنبش چپ فیلیپین در حال حاضر بخش عمده فعالیت خود را حول آنها متمرکز کرده است، عبارتند از اصلاحات ارضی، برچیدن پایتانه‌های آمریکا، لغو همه قراردادهای نابرابر با انحصارات خارجی، تشکیل یک دولت ائتلافی از همه نیروهای میهن پرست، آزادی همه زندانیان سیاسی و تحول بنیادین در نیروهای مسلح. بر این اساس احزاب و سازمانهای چپ مبارزات انتخاباتی اخیر را پیش بردند.

دستگاه حکومتی این کشور، نقش تعیین کننده‌ای برعهده دارد. ابتکار عمل در مقابله با جنبش انقلابی، در دست راموس وایتو است. آنها با فراهم کردن زمینه‌های سیاسی برای سرکوب، دست به کار ماموریت اصلی خود، یعنی "ریشه‌کن کردن کمونیستها" شده‌اند. از فوریه ۱۹۸۷ که آتش پس موقت میان ارتش و انقلابیون به پایان رسید، عملیات نیروهای مسلح علیه ارتش نوین خلق بطور مداوم روبه افزایش بوده است. علاوه بر ارتش، به ویژه در جنوب فیلیپین دستجات و گروههای چنایتکار از قماش باند "کوت کوت" که توسط افسران ارتش و با سرمایه "اتحادیه جهانی ضد کمونیستی" (که مقر آن در آمریکا است) سازماندهی شده‌اند، کارزار گسترده‌ای علیه انقلابیون آغاز کرده‌اند. کمونیست‌های شناخته شده، توسط این باندهای سیاه دستگیر و شکنجه شده و به وحشیانه‌ترین شکل به قتل می‌رسند. دردم ژوئن، برنابی بوسکاینو رهبر پیشین ارتش نوین خلق (معروف به فرمانده دانته) هدف یک سو قصد قرار گرفت و به شدت مجروح شد. نیروهای مترقی فیلیپین، مسئولیت این جنایات را برعهده مقامات دولتی و ارتش می‌دانند.

در حالیکه تا چند ماه پیش، عملیات سرکوبگرانه عمدتاً محدود به مناطق روستایی بود، در ۲۲ ژانویه برای نخستین بار سربازان دولتی به روی تظاهرات دهقانان در مانیل آتش گشودند و ۲۲ تن را به قتل رساندند. این جنایت و نیز ترور رولاند و اولابا از رهبران اتحادیه‌های کارگری فیلیپین، به نقطه عطفی در سیاست دولت آکینو و در روابط انقلابیون با رژیم تبدیل شد. "جبهه ملی دمکراتیک"، نمایندگی سیاسی ارتش نوین خلق که تا آن هنگام مذاکرات صلح با دولت را به پیش می‌برد، پس از این حوادث، مذاکرات را ترک کرد.

موقعیت کنونی شهر و های چپ

نیروهای چپ در فیلیپین، مبارزه را هم در خارج از چارچوب قوانین رژیم، و هم بطور علنی و قانونی پیش می‌برند. ارتش نوین خلق و نیروی سیاسی رهبری کننده آن، حزب کمونیست فیلیپین (سی.بی.بی.)، از نظر دولت مانیل "غیر قانونی" هستند. سی.بی.بی. برای رژیم هیچگونه مشروعیت حقوقی قائل نیست و از شرکت در فرآیند قانون اساسی و انتخابات پارلمانی اجتناب کرده است. این حزب در عین

تظاهرات و اعتراضات پناهندگان در جنوب آلمان فدرال

علت حکومت دولت ایالتی "اشراف"، ارتجاعی‌ترین و ضدخارجی‌ترین مقررات و عملکرد را دارد، گسترده‌ترین مبارزات پناهندگان شکل می‌گیرد.

جنبش پناهندگان سیاسی در آلمان فدرال به منظور دفاع از حقوق انسانی و قانونی خود، پیوسته ابعاد گسترده‌تر و اشکال سازمان یافته‌تری به خود می‌گیرد. پناهندگان ایرانی، در می‌یابند که تنها با اتحاد و تشکل خود، می‌توانند در برابر اجحافات مقامات راست‌ترا و نژادپرست ایستادگی کنند. شمار تظاهرات، اعتصابات و سایر اقدامات اعتراضی در جنوب آلمان فدرال روبه افزایش است. به ویژه در ایالت پالین که به

عکس این صفحه صحنه‌ای از تظاهرات پناهندگان ایرانی در شهر آلمانی رگنبورگ را نشان می‌دهد. پناهندگان در این تظاهرات علیه کارکرد ارتجاعی مسئولین محلی شعار بقیه در صفحه بعد



جشنواره صلح در استکهلم

قطع فوری جنگ ایران و عراق

هرساله، جشنواره بزرگی در کشورهای اسکاندیناوی برای تقویت مبارزه در راه صلح برپا می‌گردد. امسال نیز در روزهای ۲۴ تا ۲۸ ماه ژوئن سال جاری، جشنواره صلح با شعارهای "قطع آزمایش‌های هسته‌ای" و "منطقه اسکاندیناوی عاری از سلاح‌های هسته‌ای" در شهر استکهلم، برگزار شد. در این جشنواره نزدیک به ۴۰ هزار نفر شرکت کردند. در این گردهمایی صلح علاوه بر سازمان‌های سیاسی و محافل اجتماعی سوئدی و خارجی‌ها، متعدها و ادار صلح از دیگر کشورهای منطقه اسکاندیناوی منجمله یک گروه چهارصدنفره که با دوچرخه خود را به محل جشنواره رسانده بودند شرکت داشتند. در جشنواره علاوه بر برنامه‌ها مختلف سیاسی و مباحثه،

برنامه‌های متنوع موسیقی و تئاتر نیز به اجرا درآمد.

فدائیان خلق در استکهلم در جلسات تدارکاتی کمیته برگزار کننده شرکت داشته و در برپایی جشن کمک کردند.

در روز ۲۷ ژوئن، میزگردی در محل چادر بین‌المللی در رابطه با جنگ ایران و عراق برپا گردید که در آن سخنرانان در مورد فجایع جنگ، اختناق و خفقان در ایران، جنایات جمهوری اسلامی علیه خلق‌های ایران و بویژه خلق کرد و وضعیت زنان در ایران به افشاکری پرداختند.

در طی جشنواره صلح استکهلم قطع‌نامه‌ای در مورد جنگ ایران و عراق صادر شد که متن قطع‌نامه را در ستون مقابل می‌خوانید



جنگ خانمان سوز ایران و عراق که هم اکنون هفت سال از آن می‌گذرد، به یک فاجعه ملی برای خلق‌های ایران و عراق تبدیل شده است.

بنابراین اخبار موثق، یک میلیون تن از شهروندان ایرانی و عراقی جان خود را در این جنگ از دست داده‌اند، نیم میلیون زخمی و مہجروح شده‌اند، و سه میلیون بی‌خانمان گشته‌اند.

رژیم‌های دیکتاتوری در ایران و عراق جنگ راه وسیله‌ای برای تشدید ترور داخلی تبدیل کرده‌اند. سازمان‌های بین‌المللی اسناد تکانه‌دهنده‌ای در مورد اعدام‌های دسته‌جمعی، شکنجه‌های وحشیانه و ناپودی جسمی هزاران انسان در هر دو کشور می‌دهند. اسیران جنگی به طریق وحشیانه‌ای شکنجه می‌شوند، اهداف غیر نظامی با بی‌رحمی بمباران می‌شوند، رژیم عراق از سلاح‌های شیمیایی استفاده می‌کند و رژیم خمینی اطفال ۱۶- ۱۲ ساله راه جبهه می‌فرستد.

این جنگ صلح جهانی را تهدید می‌کند. جنگ همچنین منطقه مهم استراتژیک خلیج فارس را متشنج کرده و رفت و آمد کشتی‌ها را به خطر انداخته و به همین طریق تهدیدی برای صلح جهانی شده است. ما سازمانها و افراد شرکت

کننده در جشن گردهم‌آیی صلح استکهلم ادامه جنگ را شدیداً محکوم می‌کنیم و دارای خواسته‌های زیر می‌باشیم،

الف - قطع فوری جنگ ایران و عراق و آغاز مذاکرات صلح

ب - برسمیت شناختن حقوق دموکراتیک مردم و حق انتخاب آزادانه نظام سیاسی و اجتماعی خود.

- ۱ - حزب کمونیست شیلی
- ۲ - حزب کمونیست چپ سوئد
- ۳ - حزب کمونیست کارگری سوئد
- ۴ - سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری سوئد
- ۵ - سازمان جوانان حزب کمونیست چپ سوئد
- ۶ - کمیته صلح سوئد
- ۷ - کمیته هماهنگی برای صلح و امنیت - دانمارک
- ۸ - جبهه فارابوند مارتی - سوئد
- ۹ - انجمن مبارز علیه راسیسم - کولمبو
- ۱۰ - اتحادیه بین‌المللی زنان برای صلح و آزادی - کولمبو
- ۱۱ - انجمن صلح - کولمبو
- ۱۲ - گروه چهارم نوامبر پرو
- ۱۳ - گروه هماهنگی برای کمک به نیکارا کوئ - منطقه پرو

تظاهرات و اعتراضات...

بقیه از صفحه قبل

می‌دادند. در این تظاهرات عده‌ای از مردم آلمان نیز پناهندگان راهبردی کردند. تظاهرات رگنسبورگ در اوایل ماه جاری صورت گرفت.

● در روز جمعه ۱۲ تیرماه، در شهر نورنبرگ تظاهراتی با شرکت بیش از هزارتن از شهروندان آلمانی و پناهندگان از ملیتهای مختلف، برگزار شد. این تظاهرات در اعتراض به رفتار غیر انسانی با پناهندگان شامل اسکان در ساختمانهای مخروبه، تعلل در رسیدگی به پرونده متقاضیان پناهندگی و... صورت گرفت. همه احزاب، سازمانها و شخصیت‌های مترقی در نورنبرگ از این تظاهرات حمایت کردند.

● پناهندگان سیاسی مقیم شهر لاندسهوت از روز ۲۹ خردادماه در اعتراض به غیر انسانی بودن شرایط زیستی، از پذیرش چیره غذایی خودداری کردند.

بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی آزاد کردند.

جنگ ایران و عراق فوراً پایان یابد. امضاکنندگان نامه اعتراضی

فوق عبارتند از، انجمن دوستی سوئد - آلمان دموکراتیک

اتحاد فلسطینی‌ها در مالٹو حزب کمونیست کارگری - مالٹو سازمان جوانان حزب کمونیست چپ - منطقه جنوب سوئد

از طرف حزب کمونیست چپ - بوئند

نامه اعتراضی دیگری در محکومیت جنایات رژیم جمهوری اسلامی در قبال زندانیان سیاسی به سفارت جمهوری اسلامی در سوئد ارسال شد. این نامه، امضای اندرش بیورسن عضو هیات رئیسه این حزب را در پای خود دارد.

رژیم خمینی، محکوم و مطرود

انجمن‌های امضاکننده آن، برای، سفارت رژیم خمینی در سوئد ارسال شده است.

ما از طریق بیانیه مطبوعاتی نمایندگی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اروپا اطلاع یافتیم که در طی ماه آوریل تعدادی از زندانیان سیاسی، منجمله اعضای این سازمان اعدام شده‌اند بعد از این تاریخ نیز تعداد دیگری از زندانیان اعدام شده‌اند.

ما رفتار حکومت شما را با زندانیان سیاسی شدیداً محکوم می‌کنیم. ما خواستاریم:

- بدون قید و شرط شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی پایان یابد.
- شکنجه‌های جسمی و روحی زندانیان فوراً قطع شود.

از سوی شخصیت‌های زیر در اعتراض نسبت به دستگیری فدائیان خلق و در همبستگی با زندانیان سیاسی ایران بیانیه‌ای به امضا رسید،
- فرانسیس ورتز، نماینده حزب کمونیست فرانسه در پارلمان اروپا و عضو "کمیته دفاع از حقوق بشر در فرانسه و سراسر دنیا"
- سالم، نماینده جمهوری دموکراتیک صحرادر فرانسه
- سرژیو ارتکا، آهنگساز نامی شیلیایی
- ژوزه اسپینوزا، عضو کمیته فدرال حزب کمونیست فرانسه در پاریس
- مختار همان، عضو مشاور کمیته مرکزی حزب مترقی سوسیالیست مراکش

زندان‌های سیاسی باید آزاد شوند
جنگ باید فوراً پایان یابد

نامه زیر از سوی سازمان‌ها و

بزرگ ترین تظاهرات تاریخ کره جنوبی

در روز یکشنبه پنجم ژوئیه، لی‌هان یول دانشجوی ۲۱ ساله که ماه گذشته در جریان تظاهراتی در سئول مورد اصابت یک نارنجک گاز اشک آور قرار گرفته بود و از آن هنگام در حالت اغما به سر می‌برد، درگذشت. بدنبال درگذشت لی، در روز پنجشنبه ۹ ژوئیه صدها هزار تن از مردم سئول به یادبود وی دست به تظاهرات علیه رژیم دیکتاتوری چون دوهوان زدند. این تظاهرات، بزرگترین تظاهرات تاریخ کره جنوبی بود. هنگامی که گروهی از مردم می‌خواستند به سمت کاخ ریاست جمهوری حرکت کنند، پلیس با گاز اشک آور به آنها حمله کرد.

دولت کره جنوبی در روز پنجشنبه احیای حقوق

شهرودی ۲۲۳۵ نفر را که به علت فعالیت سیاسی علیه رژیم از این حقوق محروم شده بودند، اعلام کرد. از جمله این افراد، کیم دای چونگ از رهبران اپوزیسیون بورژوازی است به گفته سخنگوی دولت، "اعضای سازمانهای طرفدار کمونیسم" و نیز دانشجویانی که در سال ۱۹۸۶ یک ساختمان "سرویس اطلاعاتی آمریکا" در یوسان را به آتش کشیدند، از "عفو عمومی" حکومت منتفی شده‌اند.

در کره جنوبی حدود ۳ هزار زندانی سیاسی وجود دارند. هفته گذشته بیش از ۵۰ تن از این تعداد آزاد شدند. دولت سئول اعلام کرده است ۲۰۰ زندانی که به علت "ترویج اندیشه‌های چپ" محکوم شده‌اند، آزاد خواهند شد.

مذاکرات کنگره ملی آفریقا با شخصیت‌های سفید پوست

در روز جمعه ۱۰ ژوئیه، مذاکرات کنگره ملی آفریقا با یک هیات ۵۰ نفره از شخصیت‌های سیاسی سفید پوست آفریقای جنوبی در داکار پایتخت سنگال آغاز شد. فرانسس ملی، سخنگوی کنگره ملی آفریقا پس از پایان نخستین دور این گفتگوها اظهار داشت این مذاکرات، نخستین فرصت جهت تشریح استراتژی این سازمان برای شخصیت‌های سفیدپوست و بررسی نقشی است که این شخصیت‌ها می‌توانند در پایان دادن به آپارتاید ایفا کنند.

الکس بورین، یکی از اعضای هیات شخصیت‌های سفیدپوست، گفت دور اول گفتگوها به

تشریح استراتژی کنگره ملی آفریقا برای امحای نظام تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی، و از جمله مهارزه مسلحانه، اختصاص داشت.

هیات ۵۰ نفره‌ای که به داکار سفر کرده است، متشکل از سیاستمداران اپوزیسیون، سرمایه‌داران، هنرمندان و دانشمندان است. ریاست این هیات را فردریک وان زیل سلاپرت، رهبر پیشین "حزب پیشروی فدراتیو" که یک حزب لیبرال است، برعهده دارد. سلاپرت هدف از مذاکرات با کنگره ملی آفریقا را جلوگیری از یک فاجعه در آفریقای جنوبی نامید.

ادامه ناآرامی در هائیتی

در هائیتی تظاهرات و اعتراضات علیه رژیم ژنرال هائری نامفی ادامه دارد. در روز سه‌شنبه ۷ ژوئیه هزاران تن در برابر کاخ ریاست جمهوری در پورت اوپرنس پایتخت هائیتی دست به تظاهرات زده و خواهان کناره‌گیری شورای نظامی سه نفره حاکم به ریاست ژنرال نامفی گردیدند.

تاکنون در درگیری میان مردم و نیروهای سرکوبگر رژیم هائیتی، ۲۴ تن از مردم بدست پلیس و ارتش به قتل رسیده‌اند.

تظاهرات روز سه‌شنبه در هائیتی، بزرگترین تظاهرات از آغاز ناآرامی‌های اخیر در این کشور بود.

شکست‌های نظامی ضد انقلاب نیکارگوئه

خاویر کاربون، معاون رئیس ستاد ارتش خلقی سان‌دینیست، طی یک مصاحبه مطبوعاتی در ماناگوا اعلام کرد ظرف چهار هفته گذشته، نیروهای دولت انقلابی نیکارگوئه ۶۲۵ تن از افراد مسلح ضد انقلاب را از پای در آورده‌اند. وی افزود در این مدت، ضد انقلاب حملات خود را علیه تأسیسات اقتصادی و سایر اهداف غیر نظامی تشدید کرده است. در ماه ژوئن، در جریان این حملات ۲۲ غیر نظامی کشته، ۴۴ تن مجروح و شمار زیادی ربوده شدند.

مقام دولتی مژبور گفت تلاشهای باند‌های ضد

انقلابی که کوشیدند با حدود ۱۴۰۰ نفر مسلح به نزدیکی استلی و خینوتیکا، دومرکز استان، رخنه کنند، شکست خورد. وی افزود عملیات ضد انقلابیون برای تسخیر مناطقی در استانهای نوئوا اسکویا و زلایا نیز به شکست انجامیده است. به گفته کاربون، ضدانقلاب علیرغم بهبود آموزش نفرات خود، افزایش کمک رسانی از هوا و در اختیار گرفتن مجهزترین سیستم مخابراتی که توسط واشنگتن تأمین شده است، نخواهد توانست از شکست استراتژیک خود که پیوسته آشکارتر می‌گردد، جلوگیری کند.

اعتصاب در السالوادور

حدود ۱۰۰ هزار نفر عضو اتحادیه‌های کارگری در السالوادور در اعتراض به استفاده پلیس از اسلحه گرم در مقابله با تظاهرات کارگری، دست به اعتصاب زدند. "اتحادیه ملی کارگران السالوادور" که فراخوان به این اعتصاب را صادر کرده بود، اعلام کرد اعتصاب ۸ ساعته در این کشور همچنین برای همبستگی با کارکنان بیمارستانها که در راه

افزایش دستمزد خود مبارزه می‌کنند، صورت گرفته است. در سراسر السالوادور، کارگران و کارمندان ۲۶ موسسه و کارخانه دولتی و خصوصی دست از کار کشیدند.

در روز چهارشنبه هشتم ژوئیه، پلیس در سان‌سالوادور پایتخت السالوادور به تظاهرات کارگران حمله کرده و ۲۲ تن را مجروح ساخته بود.

سیکهای افراطی ۲۸ غیر نظامی را

به قتل رساندند

در روز دوشنبه ششم ژوئیه، تروریست‌های سیک در شهر لالرو واقع در ایالت پنجاب هند به یک اتوبوس حمله کردند و ۲۸ تن از مسافران این اتوبوس را که هندو و عازم یکی از زیارتگاههای هندوها بودند، به قتل رساندند. در این حادثه ۲۳ تن از مسافران اتوبوس مجروح شدند.

تروریست‌ها نخست با اتوبوس خود راه را بر این اتوبوس بستند و سپس مسافران را به رگبار بستند.

در میان قربانیان، پنج زن و چهار کودک دیده می‌شوند. یکی از مهاجمین نیز هدف گلوله هندستان خود قرار گرفت و کشته شد.

بدنبال این جنایت، احزاب و شخصیت‌های سیاسی در اعتراض به سیک‌های افراطی دعوت به اعتصاب عمومی کردند. در روز پنجشنبه نهم ژوئیه، سه ایالت پنجاب، هاریانا و هیمآچال پرادش که در شمال هند واقع شده‌اند، شاهد یک اعتصاب سراسری بودند. فروشگاههای، ادارات و مدارس در این روز تعطیل شدند و حمل و نقل عمومی متوقف گردید.

اخبار کوتاه

● محاکمه شش تن از مسئولان پیشین نیروگاه اتمی چرنوبیل که در سال گذشته وقوع سانحه در آن، به عواقب وخیمی برای محیط‌بیر امن نیروگاه انجامید، آغاز شد. مدیر سابق نیروگاه در زمره متهمان است. اتهام افراد مژبور، نقض مقررات ایمنی در کارخانجاتی است که خطر انفجار در آنها وجود دارد. کیفرخواست دادستان، مسئولیت کشته شدن ماموران آتش نشانی و سایر عواقب وخیم سانحه چرنوبیل را بر عهده متهمان دانسته است.

● کلاوس باربی، جنایتکار نازی، معروف به "قصاب لیون" توسط دادگاه این شهر در فرانسه، محکوم به زندان ابد شد.



● کنفرانس بیش از ۲۰ حزب کمونیست و کارگری منطقه شرق آسیا و اقیانوس آرام در اولان باتور پایتخت جمهوری توده‌ای مغولستان کشایش یافت. در این کنفرانس، مسائل مربوط به مبارزه در راه خلق سلاح و تبدیل اقیانوس آرام به منطقه صلح، در اس دستور کار قرار دارد.

● اوژال نخست وزیر ترکیه اظهار داشت ارتش این کشور عملیات سرکوب جنبش ملی کرد را تشدید خواهد کرد. بهانه رژیم آنکارا برای این اقدام، قتل شماری از ساکنان روستاهای ترک نشین شرق این کشور است که رژیم آن را به "حزب کارگران کردستان" نسبت می‌دهد.

منتشر شد

شماره ۱۷ "آموزشهایی از انقلاب و سوسیالیسم" انتشار یافت. در این شماره ترجمه مقالات زیر درج شده است:

- ۱- قدرت حیات تاکتیک های انقلابی لنین (از نشریه صلح و سوسیالیسم)
 - ۲- نقش عنصر ذهنی در مبارزه برای سوسیالیسم (یوری کراسین)
 - ۳- نیروی سازمان یافته و سازمان دهنده (از نشریه صلح و سوسیالیسم)
 - ۴- شیوه نگرش لنین به مسائل جنبش های رهایی بخش ملی (و. سوخانووا).
- مقاله اول نشرده مباحث کمیون مسائل توریک عام نشریه مسائل صلح و سوسیالیسم حول اثر فنانونایدیر لنین "دوتاکتیک سوسیال دمکراسی در انقلاب دموکراتیک" است. اهمیت روش شناسانه مقوله خلق

و دموکراسی به مقابله عرصه مبارزه طبقاتی. از جمله موضوعات عمده این مقاله است.

مقاله آخرین مستقیماً به بررسی اندیشه های لنین اختصاص دارد. در این مقاله تلاش می شود خطوط عمده مطروحه در آثار لنین در زمینه مسائل جنبش های رهایی بخش ملی تبیین گردد.

در مقاله دوم دینامیس عامل ذهنی و آگاهی طبقاتی در مبارزه برای سوسیالیسم بررسی می شود. در این مقاله تاکید شده است، "بجان این که عامل ذهنی انقلاب سوسیالیستی به وسیله شرایط اقتصادی و اجتماعی معین

می شود، به هیچ وجه به این معنا نیست که موضوع و برخورد کلیه نیروهای اجتماعی - طبقاتی و نیروهای سیاسی در قبال سوسیالیسم را یک بار و برای همیشه تعیین کرده باشیم. هیچ گاه میان موقعیت طبقات و گروه های اجتماعی و موضوع سیاسی شان چنین رابطه جامد و انحصار ناپذیری وجود ندارد."

مقاله "نیروی سازمان یافته و سازمان دهنده" که از نشریه صلح و سوسیالیسم برگرفته شده است در ادامه مقالاتی است که در این نشریه با عنوان "خصوصیات یک سازمان کمونیستی" درج گردیده است. این مقاله نیز بازتاب دهنده بحثی در تحریریه این نشریه است که موضوع سانترالیسم دموکراتیک و کار حزب در میان توده ها، از جمله محورهای آن است. ●

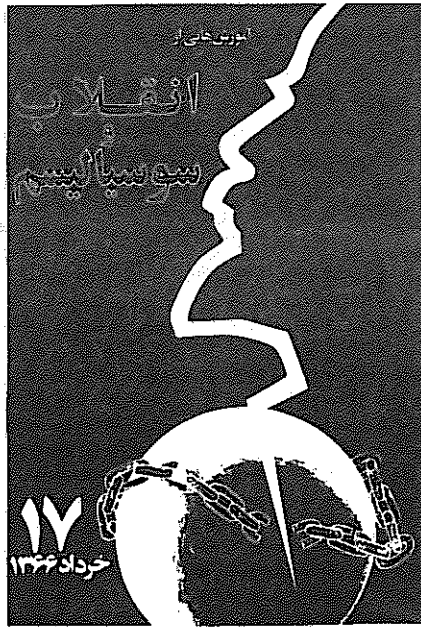
بحران در روند عادی سازی

روابط جمهوری اسلامی با فرانسه

وزارت امور خارجه فرانسه خواست که به نفع گرجی وارد ماجرا شود تا "هرچه زودتر مساله حل شود". در این مصاحبه، تروریست فراری، وحید گرجی، نقش مترجم کاردار را داشت.

این امر که حدادی برای حل و فصل ماجرا از وزیر خارجه فرانسه استمداد جست بر این زمینه استوار است که وزارت امور خارجه دولت شیراک برای بهبود روابط با رژیم خمینی اهمیت زیادی قائل است. رژیم جمهوری اسلامی در وضعیتی است که تمام کشورهای امپریالیستی باتمام قوا برای شرکت در حراجی که رژیم چوب آن را بر ثروت ملی ایران زده است، بخت خود را می آزمایند، اگر چه در این میان گاه بین ارکان های مختلف این کشورها و وظایف مختلفی را دنبال می کنند تا هماهنگی هایی نیز پدید می آید. در این زمینه هفته نامه نوول ایزرواتور به تاریخ ۱۸ ژوئن ۱۱ بقیه در صفحه ۱۱

با پناه دادن سفارت جمهوری اسلامی در فرانسه به وحید گرجی، فردی که طبق تحقیقات پلیس فرانسه در فعالیت های تروریستی و بمب گذاری های سال ۱۹۸۶ در پاریس، شرکت داشت، روند پیشرفت عادی شدن روابط رژیم های ایران و فرانسه با دشواری هایی مواجه شده است. به دنبال ردگیری هایی که توسط مقامات امنیتی فرانسه در زمینه شناسایی عوامل اقدامات تروریستی در فرانسه صورت گرفت، پای وحید گرجی مترجم سفارت رژیم خمینی در پاریس نیز به میان کشیده شد و قاضی برای وی حکم حضور در مقابل بازجو بعنوان شاهد را امضا کرد. اما وحید گرجی به سفارت جمهوری اسلامی گریخت. وزیر کشور فرانسه نیز دستور محاصره سفارت و کنترل ورود و خروج به ساختمان آن را صادر نمود. به دنبال این وقایع، حدادی کاردار سفارت خمینی یک مصاحبه مطبوعاتی در محل سفارت بر پا کرد. وی از



جنگ شیمیایی در متون فقهی

اعلام کرده است. فقهی به نام کاشف العیال که نوشته هایش از ارکان تفکر حوزه علمیه است، نوشته است، "می توان برای دفع دشمن خبر سازی کرد. راه دیگر این است که چاه پاشه چاهی بکنند که دشمن در آن افتاده و از بین برود. همچنین سم در غذای آنها بریزند." (رسالت ۷- تیر) آیت الله صانعی از این رهنمود آخر به این نتیجه رسیده است که شرع انور خود در زمینه استفاده از سلاح های شیمیایی پیشنهاد داده و در کتابهای فقهی ۱۰۰ سال پیش نیز دستورات لازمه در این مورد داده شده است. ●

آیت الله صانعی امام جمعه موقت قم در خطبه های نماز جمعه این شهر بر روی جنگ شیمیایی به شدت تاکید کرده، استفاده از سلاح های شیمیایی را شرعی اعلام نموده و گفته است، "آیا وقت آن نرسیده که در برابر حملات شیمیایی دشمن، شورای عالی دفاع دستور به مقابله به مثل بدهد؟" این آیت الله که از سران حوزه علمیه قم است، در متون فقهی کنکاش وسیعی به بهره عمل آورده و به این نتیجه رسیده است که شرع انور، خود از چند صد سال پیش ضرورت مبادرت به جنگ شیمیایی را

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك «کوپن بین المللی پستی»، و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	شش ماهه
۱۶ مارک	۱۴ مارک	شش ماهه	یک ساله
≈ ۳۰	≈ ۲۷		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	سه ماهه
۳۶ مارک	۳۳ مارک	سه ماهه	شش ماهه
≈ ۷۰	≈ ۶۴		یک ساله
≈ ۱۳۸	≈ ۱۲۵		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 165
MONDAY, JUL 13, 87

آدرس: **Address:**
RUZBEN
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید